



۳۶

# سوسیالیسم امروز

۱۷ فوریه ۲۰۱۸ - ۲۸ بهمن ۱۳۹۶

S\_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زنجی

www.simroz.org

## در استقبال از روز جهانی زن

گفتگو با ۱۰ نفر از فعالین حزب سوسیالیست انقلابی  
و فعالین جنبش آزادی زن

صفحه ۳

## چرا حزب سوسیالیست انقلابی ایران روی تجربه انقلاب ۱۳۵۷ فکوس کرده است؟

صفحه ۱۴

## مضحکه "رفراندوم" سران رژیم و "اپوزسیون" طرحی برای عبور از "خطر" سرنگونی انقلابی

صفحه ۱۳

## در باره ضرورت مبارزه گسترده برای افزایش حداقل دستمزد

صفحه ۴

## نامه درخواست پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی ایران

صفحه ۱۱

در صفحات دیگر:

- قران را به زبان مادری بخوانیم

- اگر به خانه من آمدی

- زندگی ادامه دارد

“درد دل یک زن”

## نشست شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران برگزار گردید

در تاریخ ۲۷ بهمن سال ۱۳۹۶ برابر با  
۱۶ ماه فوریه سال ۲۰۱۸ نشست  
شورای رهبری حزب سوسیالیست  
انقلابی با حضور اکثریت اعضای آن و  
شرکت چند نفر از کادرها و اعضای  
حزب برگزار گردید.

دستورهای این نشست عبارت بودند از:  
۱- گزارش و ارزیابی از عملکرد حزب  
در فاصله دو نشست شورای رهبری ۲-  
بررسی مهمترین تحولات اوضاع  
سیاسی ایران بعد از اعتراضات هفتم  
دیماه ۳- حمله نظامی دولت فاشیست  
ترکیه به کانتون عفرین ۴- مبارزه برای  
افزایش حداقل دستمزد سال ۹۷ و وظایف  
ما ۵- روز جهانی زن و اقدامات حزب  
۶- نکاتی در باره امنیت ۷- مهمترین  
وظایف و اولویت حزب در دوره کنونی.

ابتدا گزارش جامعی از عملکرد رهبری  
حزب، عرصه های مختلف فعالیت، و  
پیوستن تعدادی از مبارزین به حزب به  
نشست ارائه شد و با دخالت و برخورد  
فعال رفقا مواجه گردید. در این دستور،  
شورای رهبری حزب ضمن ارزیابی  
مثبتی از روند پیشرفتهای تا کنونی حزب  
و تأیید سیاست و فعالیتهای مثبت اخیر به  
ویژه در برخورد به روند اعتراضات و  
تحولات سیاسی اخیر ایران بر  
کمبودهای، ← صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

## نشست شورای رهبری ...



از جمله به کار نه افتادن انرژی و پتانسل بخش قابل توجه ای از حزب انگشت گذاشت. شورای رهبری حزب همچنین بر ضرورت ایفای نقش موثرتر بخشی از کادرها و دوستان خود در تشکیلاتهای مخفی حزب در سطح کشور تاکید نمود. در ادامه این دستور در مبحث مکانیزمهای مبارزه سیاسی- اجتماعی، جوانب مختلف گسترش فعالیت‌های حزب در داخل کشور مورد بحث قرار گرفت.

در مورد یورش گسترده ارتش ترکیه به غفرین نشست رهبری حزب دوباره این یورش جنایتکارانه را محکوم نموده و از مقاومت قهرمانانه زنان و مردان آن شهر علیه یورش وحشیانه ارتش ترکیه و دیگر جنایتکاران حمایت نمود. رهبری حزب همزمان به نادرستی سیاستهای زیانباری که احزاب حاکم در آنجا دنبال کرده اند، از جمله همراه شدن با دولت امریکا و قرار دادن سرنوشت جامعه و مبارزه انقلابی آنها علیه داعش در بین کشمکش نیابتی و قطب بندیهای امپریالیستی و دولتهای جنایتکار منطقه، تاکید نمود. جلسه رهبری حزب به ضرورت درس گرفتن از این نوع رویدادها از جانب بقیه شهروندان، از جمله در مناطق کردنشین در ایران تاکید نمود.



تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۷ بخشی دیگری از مباحث مهم این نشست بود. در این باره شورای رهبری از مطالبه " افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان "

دفاع کرد. شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی از فعالین عملی، پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگرخواست که از شرایط سیاسی-اعتراضی جاری در کشور بهترین استفاده را نموده و جنبش میلیونی طبقه کارگر را حول مطالبه واحد افزایش دستمزد و برافراشته کردن پرچم سوسیالیستی خود متحد نموده و جنبش قدرتمندی را در این راستا به تحرک در بیاورند. رهبری حزب سوسیالیست انقلابی تاکید کرد که با تمام وجود و قدرت در قدم به قدم این مبارزه همراه با کلیه فعالین و تشکلهای مبارز و رادیکال و پیشرو و سوسیالیستی حضور خواهد داشت!

در دستور مربوط به روز جهانی زن و ۸ مارس رهبری حزب بر نمایندگی سیاست انقلابی و سوسیالیستی در این زمینه تاکید نمود. حزب ضمن استقبال از هر سطحی از تلاش و مطالبه برای آزادی زن، اما بر عکس تصورات رایج، رهایی کامل زن و تحقق برابری زن و مرد را نه در چهار چوب نظامهای موجود، که در پایان دادن به حاکمیت نظام حاکم طبقاتی ارزیابی می نماید. شورای رهبری تاکید کرد که ما در شرایطی در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن قرار گرفته ایم که سیاست های زن ستیزانه رژیم جمهوری اسلامی در راستای حفظ پایه های نظام آپارتاید جنسی و پایمال کردن هر روزه حقوق زنان با تکیه بر قوانین منتج از شرع اسلامی و فرهنگ مردسالارانه حاکم در جامعه همچنان ادامه دارد، و باید زنان سرکوب شده جامعه را به صف مستقل آزادیخواهانه و برافراشتن پرچم نابودی کلیت نظام فاسد جمهوری اسلامی به عنوان گام نخست آزادی زن در ایران فراخوان داد. نشست رهبری حزب طرفداران برابری زن و مرد و فعالین جنبش آزادی زن را به متحد شدن حول پرچم و سیاست انقلابی "آزادی، برابری و سوسیالیسم" فرامیخواند.

در دستورهای "امنیت" و "تعیین اولویتهای دوره پیش رو" نشست رهبری حزب بعداز تبادل نظر کافی تصمیماتی در این موارد گرفت. نشست شورای رهبری همچنین حول سازمان دادن برخی ابتکارات و ابزارهای تبلیغی جدیدتر و قابل دسترس تر کردن رهبری حزب تبادل نظر کرد.

بدین ترتیب نشست شورای رهبری حزب بعداز همفکری حول مسائل گرهی جنبش و حزب مان و اتخاذ تصمیمات مهم، در فضای کاملاً رفیقانه و روحیه کمونیستی برای انجام وظایفهای حزب به نشست خود پایان داد.

## شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

۲۸ بهمن سال ۱۳۹۶

۲۰۱۸-۲-۱۷

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

آدرس مایل و تلفن تماس با تشکیلات  
خارج کشور حزب سوسیالیست  
انقلابی:

ssaid1268@yahoo.no

004745916488

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## در استقبال از روز جهانی زن گفتگو با ۱۰ نفر از فعالین حزب سوسیالیست انقلابی و فعالین جنبش آزادی زن

بر زنان سرنگونی حکومت ایران و برقراری نظام حکومتی است که برابری انسانها و رفع تبعیض بر حسب جنسیت و غیره شرط اول قوانین و سیستمش باشد. بدون تحقق چنین آینده و آلترناتیوی شاید بعد از این رژیم ما بتوانیم برای مدتی مقداری نفس آزادی را بکشیم، اما باز زنجیر بردگی بر گردن اکثریت زنان باقی خواهد ماند. آزادی زنان در گرو پایان دادن به قدرت دین، مرد سالاری، فرهنگ قرون وسطی و نظام سرمایه داری است که زن را به کالائی ارزانی تبدیل کرده است.



**سوسیالیسم امروز:** اعمال ستم و نابرابری بر زنان، وجود نابرابری بین زن و مرد در سطوح مختلف، همچنان چهره واقعی جهان امروز سرمایه داری است. در کشورهای که اسلام و مذهب، به عنوان یکی از ارگان ایدئولوژیکی جامعه سر مایه داری، در قدرت هستند، نه تنها نابرابری زن و مرد، که نفس حق شهروندی و برخورداری از حداقلهای زندگی در زمینهای اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و غیره نیز از نظر قانونی و هم بنا به عرف و فرهنگ عقب مانده مرد سالاری و دینی غالب همواره زیر سوال قرار میگیرد و به شدت حقوق اولیه زنان سرکوب و مورد تبعیض قرار میگیرند. بعضا گفته میشود اگر خود زنان در جوامع کنونی در قدرت دولتی قرار بگیرند مشکل زنان حل میگردد، اما از "معاون رئیس جمهوری ایران" تا راس حاکمیت در چند کشور "پیشرفته" غربی زن را در قدرت می بینیم اما سر سوزنی برابری و آزادی و برخورداری از حق برابری واقعی بین زن و مرد را شاهد نیستیم، چرا که خود این زنان نماینده طبقه ای هستند که یک رکن بقایشان دقیقا وجود بقایای همین تبعیضات و نابرابریها است.

با این مقدمه، سوال این است که شما اوضاع را چگونه می بینید؟ راه پایان دادن به ستم و نابرابری علیه زنان چیست؟ در این راستا نقش و وظیفه زنان، مشخصا جنبش آزادیخواهانه زنان مردان کارگر، سکولار و سوسیالیست را برای خلاصی از این ستم و نابرابری شرم آور را چگونه توضیح می دهید؟  
فراخوان شما چیست؟

امروز زنان آزادیخواه بطور گسترده همگام با دیگر بخشهای محروم جامعه برای رسیدن به حقوق پایمال شده خود طی ۴۰ سال اخیر به میدان آمده اند. بی گمان در صورت هدایت رادیکال و پیشبرد یک سیاست هماهنگ سوسیالیستی و آزادیخواهانه این موج سر باز ایستادن ندارد. همچنانکه زنان در چندین دهه گذشته ثابت کرده اند تهدید و شلاق و زندان قادر نبوده اراده جمعی زنان را برای کسب حقوق انسانی و برابر در هم بشکند، و این حقیقتی است که زنان از ابتدای تحمیل قوانین ضد زن تا به امروز بر آن پای فشرده اند. امروز با عروج "دختران انقلاب" و به اهتزاز در آوردن چوبه ی حجاب در باد ما تنها بخشی از خشم نصف جامعه از کوهی از جنایت و سرکوب علیه زنان می بینیم که باید آن ظرفیت بزرگ را به تحرک در آورد تا مبارزه واقعی ما راه خود را بهتر باز کند.

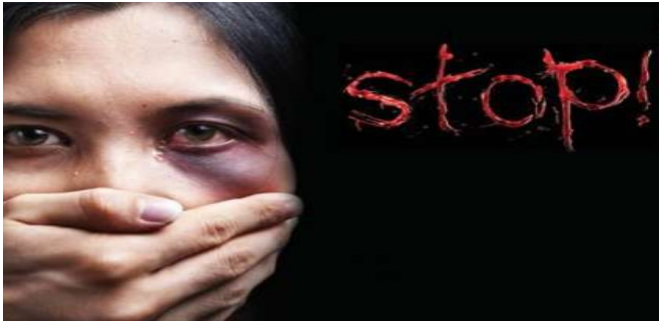
ما زنان همه عمر خود را با تبعیض و نابرابری سپری کرده ایم، از هیچ نظری در این جامعه احساس آرامش و امنیت نمی کنیم، همواره مورد تحقیر و ناسزا قرار گرفته ایم، و از هیچگونه حقی برخوردار نبوده و با بیرحمانه ترین شیوه، مورد ستم و فشارهای روحی روانی و مالی بوده ایم. تنها راه رسیدن به اهداف برحق

**شیرین اعتماد:** قبل از هر کلامی سختم را اینگونه آغاز میکنم: زنان آزادیخواه و زحمتکش علیه ارتجاع و ستم متحد شویم دوره کنونی دوره ای است که جنبش آزادی زن میتواند آنرا به سوی یک دوره انقلابی و رهائی از یوغ ستم و جنایت حکومت اسلامی انقلابی سوق دهد. با شروع اعتراضات خیابانی علیه گرانی، فقر و بیکاری مطالبات سیاسی و اجتماعی جامعه نیز باجدیت و توان تازه ای در کنار مطالبات معیشتی پیش کشیده شده اند. آزادی بیان و تشکیل و تجمع لغو حجاب اجباری و قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، باسردادن شعار آزادی زندانی سیاسی توسط مردم معترض در خیابان و تبدیل کردن روسری حجاب اجباری به پرچم اعتراض بوسیله دختران و زنان عاصی از تبعیض و پوشش اجباری امروزیه مطالبه ای سراسری تبدیل شده است که با مبارزات حول خواستههای معیشتی توده های محروم جامعه در هم تنیده و به پیش برده میشود.

وجود ستم و نابرابری برای زنان یک واقعیت انکار ناپذیر است در جهان امروز، به ویژه تحت حاکمیت رژیم ضد زن اسلامی در ایران، بنظر من تنها راه پایان دادن به این همه ستم و ظلم

ادامه ←

**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**

در استقبال از روز جهانی زن...  
→

جنبش آزادیخواهانه زنان همبستگی و اتحاد صدای آزادیخواهانه خودشان و بدست گرفتن سیاستهای انقلابی و سوسیالیستی و پیوستن به سوسیالیست انقلابی ایران است. آگاه سازی و روشنگری وظیفه تک تک رفاقت است. هر چه کوشا تر باید باشیم برای ایجاد تحرک و همبستگی انسانی و تقویت صف آزادیخواهانه خودمان تا هر چه زودتر به اهداف دیرین خودمان برسیم.

مشتی ریش و پشم دار و معم و مکلاهی اسلامی و جانی هر جا که دستشان برسد توهین می کنند و از رسانه های خود علیه زنان لجن پراکنی می کنند، قانون شریعت را به عنوان قانون اسلامی اعلام کرده و علیه زنان اعمال می کنند، سنگسار می کنند و اسید میپاشند و تجاوز رسمی و شرعی سازمان می دهند، فحشا و حرمسرای اسلامی به پا کرده اند. این تنها خشونت نیست بلکه تحقیر و توهین و خرد کردن شخصیت و کرامت زن و هیچ انگاشتن زن است که گویا زن نه انسان بلکه موجودی است که خدا آنها را فقط برای خدمت به مرد خلق کرده است همین را با استفاده به قانون و شریعت و سنت پیغمبر و اسلام انجام میدهند و قانونی هم شده است و جهان هم بر این جنایات رسمی و قانونی چشم بسته است. این بر گشتن به دوران توحش بشر به عنوان اعتقادات مسلمانان ظاهرا باید مورد احترام هم باشد!

اگر کسی میخواهد موقعیت زن در اسلام را درک کند باید سری به ایران و مناطق تحت حاکمیت جنبش کثیف اسلامی بزند. اینها نگاهشان به زن همان عورت خطاب کردن و دیدن زن به عنوان یک وسیله تجاوز جنسی و سو استفاده مردان است زن نه یک انسان برابر با مرد و نه یک انسان با همه خصوصیات انسانی بلکه یک وسیله تملک و سو استفاده جنسی است که خدا او را برای لذت بردن مرد و آخوند خلق کرده است همه این تجاوز و بی حرمتی به زنان را کار ثواب قلمداد کرده و در آن دنیا نیز برای تجاوز به زنان اسم نویسی کرد. کمتر زنی پایش به داد گاهای حکومتی در ایران رسیده بدون اینکه آخوند و اراذل و اوباش اسلامی به او نظر بد نداشته و یا در نهایت پیشنهاد صیغه نداده باشد. حتی اگر امکانش فراهم شده تجاوز نکرده باشند در این سیستم زن منشاء فساد است و برای کنترل او باید قانون و پاسدار و خواهر زینب به خیابانها فرستاد و او را با مواد غذایی تشبیه کرد که اگر مواظبش نباشی فاسد می شود و همه این بی حرمتی ها را به اسم حکومت و قانون و اسلام و مذهب ووووو انجام داده و همچنان این وضع ادامه دارد.

اما زنان در همه جا مبارزه می کنند مبارزه علیه خشونت خانوادگی مبارزه علیه تجاوز در خانه ها توسط همسران مبارزه علیه قوانین زن ستیز و مبارزه علیه دولتهایی که با جنایت علیه زنان زائیده شده اند. مبارزه ای جهانی در ابعادی گسترده از سوی زنان و مردان مخالف این سیستم و این فرهنگ مدام در جریان است روز جهانی زن در عین حال روزی است

← ادامه

مازنان تغییر بنیادی میخواهیم! تغییر یعنی رفع تبعیض، یعنی کسب برابری، یعنی نفی سلطه و سرکوب و استبداد، یعنی پایان داد به دخالت و حاکمیت مذهب بر زندگی ما، یعنی بر خورداری از حق و حقوق فردی، یعنی آزادی کامل پوشش، یعنی نماندن نظام مرد سالاری. یعنی انسانهای مستقل از عقیده و ملیت و جنسیت و مرام سیاسی باید در همه شئون برابر باشند و هیچکس و هیچ دولت و مرجعی حق نفی، انکار و سرکوب ما را نداشته باشد. باید مبارزه جدی برای به پیروزی رساندن سوسیالیسم جنبش طبقه کارگر در دستور کل جنبش آزادیخواهانه ما قرار بگیرد. چرا که بدون پیروزی سوسیالیسم و صف آزادیخواهان جنبش زنان نیز نمیتوانند به پیروزی برسند، همانطوری که با پیروزی جنبش آزادیخواهانه زنان نیز ما شاهد پیروزی سوسیالیسم و کل جامعه خواهیم بود. با امید پیروزی هر چه سریعتر.

**آذر کیمیا:** با فرا رسیدن سالروز مجدد روز جهانی زن، با وجود این همه پیشرفت در جوامع سرمایه داری، از جمله در غرب، ما بیش از هر کسی به یاد دردها و مشقات و نابرابریهای بیشمار و گسترده علیه خود میشویم. متوجه میشویم که نه فقط اسلام و مذهب دوران جاهلیت که سرمایه داری و دمکراسی "متمدن" پیشرفته سرمایه داری نیز به بقای ستم و نابرابری برای زنان نیاز مبرم دارد، و همواره بر بقای آن پای میفشارد. فرق زندگی ما زنان تحت حاکمیت مذهب نسبت با زندگی ما زنان تحت حاکمیت سرمایه داری پارلمانی و دمکراسی بورژوازی شبیه زندگی یک برده در دوران برده داری با زندگی یک کارگر مزدی در دوران سرمایه داری است. "آزادانه تر" نیرویش را میفروشد و برای سرکوبگر و ظالم کار و ثروت تولید میکند و خدمات می دهد. از اینرو حرف آخر را اول بزنم که آزادی حقیقی زن مانند آزادی کارگر و بشریت تنها در گروه پایان دادن به نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری است. بقیه تلاشها و مبارزات ما اگر چه ضروری است اما فقط تلاشی برای کاهش فشار و درد ستم و نابرابری ضد انسانی بر خود باید بدانیم نه کل مبارزه و راه نجات نصف جمعیت این کره خاکی!

اما زندگی میلیونها زن در این دنیا از دوره ی قدرت گرفتن جنبش اسلامی و اسلام سیاسی با فجایعی عجیب شد که دیگر آنرا نمی توان با کلمه خشونت توضیح داد. ایران مرکز این فجایع سازماندهی شده و قانونی علیه زنان است همین دولتهای غربی و مدرن سرمایه داری با استفاده از قرآن و اسلام جنبش زنان را تا پستوی خانه ها به عقب رانده اند. قریب به چهار دهه است که

**زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!**

## در استقبال از روز جهانی زن...

وقتی قانون و فرهنگ و حاکمیت علیه ماست ناچاریم این مشکلات را با جان و دل بپذیریم و در مقابل آنها مقاومت کنیم و با صبر و بردباری در پی حل این مشکلات بر آیم. متأسفانه در کشور های جهان سوم آن طور که شایسته است به زن ارزش و احترام قائل نیستند. با اینکه حتی مسولیت زن در جامعه در بسیاری از موارد مهمتر و بیشتر است اما از حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند. برای رفع این معضل اول باید ذهنیت جامعه عوض شود و سپس سیاست دولت و حکومت. باید مردان به زنان احترام قائل شوند و هر آنچه برای خود حق و حقوق میدانند برای زنان هم بدانند و بخواهند. اگر ذهنیت جامعه علی الخصوص مردان در این زمینه عوض شد میتوان به عوض شدن حکومت امید داشت. تنها راه برابری زن و مرد این است که به خواسته های دو طرف به طور مساوی بها داده شود و هر آنچه برای مردان جایز و رواست برای زنان هم همینطور باشد.

برای اینکه بتوانیم در جامعه برابری بین زن و مرد را در بین مردم رواج دهیم باید در وحله اول دولت قانون بگذارد، قانون حمایت از زن ارزش نهادن به زن و به خانواده و جامعه. به جای خرافه پرستی به جای اعتقادات کورکورانه مذهبی و تعصب های بی جای خانواده که برای خودشان وضع کرده اند. کانون های جدیدی برای مردم بگذارند تا مجبور به تابعیت از آن شوند. باید ارگانی، سازمانی یا حزبی باشد که از حقوق زن حمایت کند و بتواند عدالت و برابری حقوق زن و مرد را در جامعه رواج دهد. خلاصه عرض کنم تا جمهوری اسلامی هست ما زنان هرگز به آزادی و برابری واقعی خود نخواهیم رسید.



**تینا خلیفه ای:** در بحث نابرابریهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، پرداختن به مسئله جنسیت و زنان، یکی از جدیدترین بحثهاست. چون در طول تاریخ و همچنان امروز، مهمترین مصداق نابرابری بر مبنای جنسیت است.

زنان بدلیل جنسیت شان، از فرصتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محروم میشوند.

رسیدن به برابری نسبی، مستلزم توجه ویژه به توانمندسازی زنان، به خصوص در عرصه های سیاسی میباشد.

مسئله ی اصلی این است که هنوز (جدا از مباحث افراطی دین) درک کافی از ساختار دو جنس برای همديگر قابل درک نیست. هر چند در اروپا تا حدودی توانسته اند از نظر مشارکت های اجتماعی و تا حدودی سیاسی زنان را پیشرو سازند و یا خود زنان سعی کرده اند نقش اصلی در پیشبرد و روند سیاسی کشورشان داشته باشند اما باز هم تبعیض و عدم باور به زن در مباحث سیاسی باعث شده پیشرفت چشمگیری در بعد زن به عمل نیاید.

ادامه ←

که می توان به این مبارزات نظر افکند و نقاط ضعف و قدرت آنرا دید هر جا که مذهب و اسلام و جنبش اسلامی پا بگذارد زنان همه حقوق انسانی خود را از دست میدهند، بنظر من علیرغم همه آن مبارزات پر افتخار جنبش آزادی و رهائی زن هنوز در شروع کار است از جمله در خاورمیانه و ایران. هنوز باید متحد شد، باید متوجه شد بخودی خود نمیتوان مبارزه را به سر انجام رساند، حتی نمیتوان تصور کرد هر کسی زن است حتما برای آزادی زن مبارزه میکند، به هیچ وجه، مبارزه زنان اگر چه قائم بزات است اما امروز یک پدیده کاملاً طبقاتی نیز هست. در نتیجه تنها با پرچم سوسیالیستی و متمدن رهائی زن میتوان جنبش پیشروی برای پس زدن ارتجاع سازمان داد، امروز تنها به اعتراضات پراکنده و "هیواشکی" یا حتی بر داشتن چند لچک به تنهایی نمی توان حاکمیت ضد زن چون جمهوری اسلامی را به شکست کشاند، باید تمام قد و کاملاً آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه زیر پرچم سوسیالیسم و همدوش با رادیکالترین و برابری ترین طبقه یعنی کارگران به میدان آمد و نظام ظالم اسلامی و طبقاتی را از سر راه برداشت، باید برایش هزینه کرد همانگونه که هر لحظه داریم هزینه میدهیم. در ایران بدون پیروز شدن کارگران و سوسیالیستها و برابری طلبان زن هر گز به پیروزی و پایان ستم بر خود نائل نمیگردد. نابود باد اسلام، نابود باد سرمایه داری، زنده باد آزادی زن، زنده باد سوسیالیسم!

**شراره تهرانی:** آزادی و برابری و مساوات با وجود امنیت و آرامش ممکن میشود. ریشه تحقیر و توهین و نابرابری در هر جای دنیا در نظام حکومتی است که در جامعه قانون گذاشته و حاکمیت می کند. متأسفانه نظامهای ستمگر کاری کرده اند که ما باید خودمان به تنهای از خودمان و حرمتمان دفاع کنیم و چنین بنظر میرسد که در مرحله اول مسائل ما زنان به شخصیت خود زنان ارتباط دارد. جامعه کنونی به ویژه حاکمیت های دینی کاری کرده اند که ارزش والای زن شکسته شود. جایگاه زن در خانواده و در جامعه کاملاً آشکار است او در خانواده پدري يك دختر و يك خواهر و در خانواده خود يك همسر و يك مادر است که هر کدام برای يك زن مشقات و صبوری خود را دارد.

**حزب سوسیالیست انقلابی برای آزادی و برابری کامل زن و مرد و رهائی از همه خرافات، شوینات، قوانین مذهبی و سنن و فرهنگ مردسالارانه مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی ضد زن قدم نخست رسیدن به این هدف است. حزب، همه زنان آزادیخواه را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند**

**بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**



با آگاهی های رسانه ای و روشنفکرانی که در ایران وجود داشت کم کم زنان از حقوق خود آگاه شدند و بعد از کمی متقاعد شدند که برای به دست آوردن آن باید تلاش کنند در جنبش اولیه زنان در جنبش ها وجود داشتند و شانه به شانه مردان در جنبش ها و اپوزیسیون ها نقش پیدا کردند اما کافی نبود چون هنوز زنان در صفوف پسین جنبش ها بودند و گرداننده ی اصلی مردان بودند اینبار زنان خودشان زاینده ی جنبش بودند یعنی يك جنبش زنانه بود. زنان در صفوف اول انقلاب ها بودند. زنان خود را از قیدو بند رها کردند و وارد سیاست شدند. اما با زور ضرب و شتم خفقانی برای اعتراضات ساختند تا دیگر کسی از ترس جرأت اعتراض برای به دست آوردن حقوق اولیه ی انسانی خود نداشته باشد. وقتی فهمید نمیتواند صدای مردم را خفه کند تدوین جدیدی برای آرام کردن جامعه ی زنان آماده کرد نقش هایی از جمله وزرات بهداشت، معاونت رئیس جمهوری، شورای شهر را به زنان واگذار کرد. اما زنانی که طابع و خادم اصل ولایت فقیه بودند و به قانون حجاب اجباری و انکار هویت زن و عدم رعایت حقوق شهروندی يك زن احترام می گذاشتند و در واقع عروسك های خیمه شب بازی بودند که گرداننده ی آنها مردها بوده و هست در جمله ای یعنی اتحاد زنان مرتجع علیه زنان آزادیخواه .

در واقع عدم خودآگاهی بخشی از زنان در مشارکت های سیاسی و دنباله رو بودن سیستم ضد زن و مردسالارانه باعث این شد که زنان در واقع برای این وارد سیاست شوند که پا جایی مردان بگذارند و هیچ ایده و عملی از خود برای عملکرد سیاسی نداشته باشد. یکی دیگر از عاملها کم بودن نقش زن در اقتصاد و کار آفرینی و درآمد زایی است که زنان در سکتور خصوصی و انکشاف نیروی کار نقش اساسی و مهمی را میتوانند ایفا کنند.

توانمند سازی زنان به خصوص در عرصه فعالیت های اقتصادی از چند جهت دارای اهمیت میباشد: اول، نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان، بستر ساز نابرابری های اجتماعی و سیاسی است. زنان معمولاً به لحاظ اقتصادی در موقعیت فروستتری قرار دارند و این مسئله باعث میشود که آنها به لحاظ موقعیت اجتماعی و میزان تأثیرگذاری سیاسی نظر به مردان در موقعیت پایینتری قرار بگیرند. به عبارت دیگر، میزان نقش آفرینی زنان

### در استقبال از روز جهانی زن...

جمهوریاسلامی که در سال ۱۳۵۷ با استراتژی که روحانی برآورنده ی آن بود معضلی به نام حجاب را برای زنان روی کار آورد و هدف زنان جامعه را بر روی بچه داری خانه داری کنترل بر روی اعضای بدن خود و حجاب متمرکز کرد و بدین شیوه خللی برای پیشرفت زنان را ایجاد کرد و از طرفی جامعه را به سوی مرد سالاری و شیخ سالاری گرایش داد تا مشکل جامعه حجاب زنان، کار کردن آنها و حقوق برابر با مرد و مشارکت سیاسی نباشد. کم کم زنان برای چیزی به نام آبروی خانوادگی و درست نکردن دردرس برای خود خود را قبولاند که به خاطر آبروی پدر برادر شوهر پسر و فامیل خود باید بپذیرد که تمام حوضه ی میدانی کار او در خانه است. به خود بقبولاند که از مرد کمتر و اعتراض به حقوق اولیه اش گناه است. بعد از آن دچار انکار هویت شدند. عدم پذیرش خود ناراضی بودن از خود واقعیت عادت داده شده به اینکه گویا این هویت اصلی و ذات و منش و غریزه ای است که در زن وجود داشته و دارد .

و وقتی که زن هویت اصلی واقعی خود را زیر پا بگذارد ناخودآگاه به دیگران نیز این اجازه را میدهد و دغدغه ی او با کمک جامعه و استاندارد های مردسالانه به چگونه ها راه پیدا میکند. چگونه بپوشم چگونه آرایش کنم، چگونه فکر کنم چگونه حرف بزنم که با برده ای که خانواده جامعه و حکومت از من میخواهد یکسان باشد. و البته روشن است که نظام طبقاتی و سیستم دینی حاکم است که چنین زمینهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نامساعدی را برای زنان به وجود می آورد و در نهایت بخشی از زنان را نیز ظاهراً متقاعد میکند بله آنچه دولت و جامعه و خانواده می گوید این حق من است.

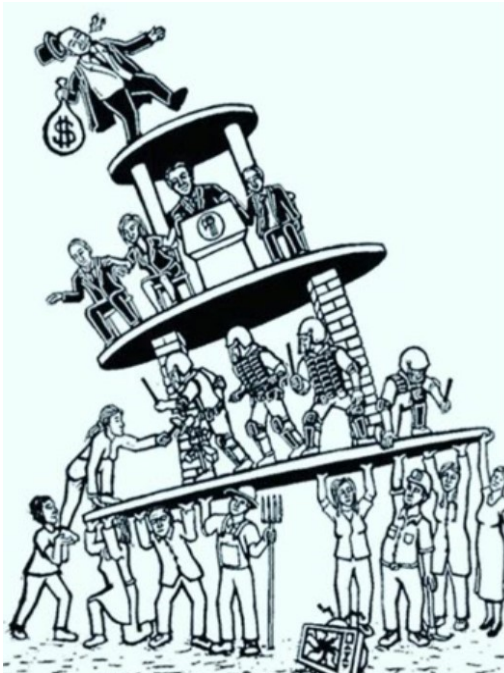
کشور ایران، دوباره، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینیستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پایی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست وصف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود |

Iransocialist2017@gmail.com

← ادامه

در استقبال از روز جهانی زن...  
→

و مشارکت آنان در فرآیندهای تصمیمگیری در درون اجتماع، تا حد زیادی به میزان استقلالیت اقتصادی زنان وابسته است. هرگاه دسترسی زنان به فرصتهای اقتصادی افزایش یابد، آزادیهای زنان مانند حق کار کردن در بیرون، آزادی تحصیل و داشتن حق مالکیت افزایش مییابد که در نتیجه، قدرت زنان افزایش یافته و آنها به میزان استقلالیت اقتصادی بیشتری دست مییابند. این مسئله، به صورت خودکار میزان تأثیرگذاری و نقشآفرینی زنان را در تصمیمگیریهای اجتماعی نیز افزایش میدهد.



**صحرا صالحی:** در کشوری مانند ایران برای برابری و آزادی زن و رسیدن به حق برابری زن و مرد دور راه وجود دارد که اجرای هر دو اکنون در ایران مشکل است مگر اینکه مبارزه و تحرک جدیتری به وجود آورده شود.

۱- اگر قانونی بر این اساس، (اساس برابری زن و مرد) در کشور ایران تصویب شود اول باید خود دولت و قانون گذاران کنونی را یکجا برکنار کرد. در ایران وضع چنین قانونی امکان ندارد چون دولت و قوان حاکم آن اسلامی و مذهبی است.

۲- و برای اینکه بتوان جنبش نیرومندی برای مطالبه عدالت و برابری در ایران بدوا باید خود زنان و خانوادههای آنها تغییر را از خودشان شروع کنند. سبک زندگی، افکار غلط نسبت به زنان را از ذهن خود بشویند

و هر کدام از زنان و خواهران و مادران خود شروع کنند و به آنها این آزادی و بها را بدهند تا برای دیگران نیز الگو باشند. همه باید این را در نظر بگیرند که زن کالا نیست، یک انسان کاملا برابر با مرد است و فراتر از آن ارزش والای یک مادر را دارد و کسی که زاده ی خود او هست و لیاقت این عدالت را دارد.

۳- در اجرای این عدالت ضروری است عدالت خواهان همه باهم هماهنگ باشند و زیر آب همدیگر را نزنند، زیرا در ایران اکثرا ادعا میکنند که خواهان آزادی هستند. این آزادی و برابری نیز فقط شامل حجاب و پوشش نمی باشد شامل همه شئونات زندگی، در قوانین، فرهنگ و اقتصاد و سیاست جامعه. مثلا رسیدن ارث مانند پسران باشد نه نصف پسر ... حق حضانت بچه خود را داشته باشد... برحسب علاقه و هر محیطی که باروحیه او سازگار است بتواند کار کند و او را ضعیفه تلقی نکنند، مانند مردان بتوانند شب بیرون از منزل باشند، بدون دلهره و استرس و غیره....

۴- در اصل بنظر من رسیدن به هدف فوق نیز احتیاج به رهبری یک حزب سیاسی جدی طرفدار برابری زن و مرد دارد که چنین هدفی را در ایران به نتیجه برساند، امیدواریم حزب سوسیالیست انقلابی و نیروهای مانند آن بیش از پیش در این زمینه تلاش نمایند.

**پروین آزادی:** در ایران زنان بطور سیستماتیک مورد ستم واقع میشوند و قانون ۱۵۰۰ سال پیش اسلام را در باره ی زن امروز ایرانی اعمال می دارد. در قانون مدنی و خانواده و جزایی و... زنان صراحتا مورد اجحاف قرار دارند برای مثال دیه ی زن نصف مرد است. شهادت زنان در برخی موارد مورد قبول نیست و برخی مورد نیز نصف شهادت مرد ارزش دارد ریاست

← ادامه

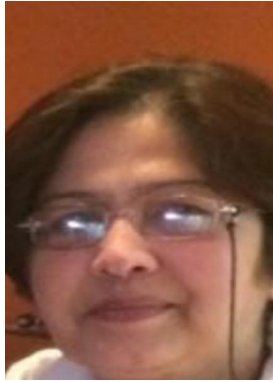
سوم نابرابری اقتصادی و محرومیت زنان از فرصتهای اقتصادی، به صورت مجموعی روند توسعه را به کندی مواجه میسازد. محوریتزین عنصر توسعه در یک کشور نیروی انسانی آن است. زنان به عنوان یک کتلهی بزرگ از نیروی انسانی یک کشور، وقتی از فرصتها و امکانات آموزشی و اقتصادی محروم میشوند به صورت خودکار روند توسعه را به مشکل مواجه میسازد. روند توسعه زمانی ممکن است که از توانایی تمامی نیروی انسانی یک کشور استفاده شود اما محرومیت زنان از فعالیتهای اقتصادی، روند توسعه را از توانایی، تخصص و انرژی آنان محروم میسازد.

میزان نقش آفرینی زنان در روند توسعه به شدت متأثر از آموزش زنان و آزادی آنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین به هر میزانی که مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی افزایش یابد، زنان قدرتمندتر میشوند. قدرتمندتر شدن زنان، بعلاوه افزایش سهم آنان در بهبود وضعیت کلی جامعه زمینه را برای خشونتورزی مردان بر علیه آنان به شدت محدود میسازد.

اما باید تاکید کرد که زنان تا هنگامی که زیر سلطه ی افکار جنسیت ضدگی فاشیستینون افراطی دینی باشند نخواهند توانست نقش اصلی خود را زیر نگاه های خریدارانه که حتی در کشورهای غربی نیز دیده میشود پیدا کنند و بتوانند هدف اصلی سیاست و دولت مداری را دنبال کنند. و راه کار اصلی برای پایان دادن به ستم و نابرابریهای موجود علیه زنان عمل انقلابی زنانه و سوسیالیستی برای آزادی است، برای رهایی از نابرابری و قضاوت شدن به خاطر جنسیت. و به دور از هرگونه جنبشی که زن را بازیچه ای برای پیشبرد قدرت خود میداند.

**نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!**

## در استقبال از روز جهانی زن...



**ماریا یوسفزی:** در دنیای کنونی شرافت افراد به خلاقیت و انسانیت شان است نه به جنسیت شان. زن تفاوت بیولوژیکی با مرد دارد. زن و مرد از نگاه علمی تفاوت اش با کروموزوم شان است. از نظر حقوقی زن با مرد حقوق مساوی دارند تفاوتی ندارد صرف از نگاه جسم ظاهری متفاوت است. اما در کشور های سنتی

و در ادیان برعکس، زن نصف مرد است. که متأسفانه در کشور ما افغانستان زن را جنس دوم بشمار میبرند. يك مرد چهار دانه زن میتواند بگیرد. اما برعکس اگر شوهر يك زن فوت میکند زن انتخاب گرفتن شوهر دیگر را ندارد بنام بیوه به مرد بزرگتر از خودش یا که به خوردهترین مرد ان خانه نکاح می شود.

در کشور ما افغانستان خشونت علیه زن جزو کلتور و سنن ما شده و به حساب می آید. زن و دختر حق انتخاب همسر خود را ندارد، زن خرید و فروش میشود، سن ازدواج تعیین شده نیست.

در کشور های که دین از دولت جدا نباشد نه زن به حقوق اولیه اش میرسد و نه مرد. از این لحاظ ما به يك جنبش انقلابی برای عدالت و برابری نیاز داریم همه زنان و کارگران آزادیخواه متحدانه باید همه با يك هدف آزادی و برابری و يك زندگی عاری از خشونت را بدست بیاوریم که شایسته انسان آزاد باشد. ما میتوانیم همه و همه یکصدا برای بدست آوردن چنین دنیایی مبارزه کنیم تا بتوانیم به خواستههای خود برسیم. تصور کردن چنین دنیایی شاید مشکل نباشد اگر همه با هم باشیم و براس تلاش و مبارزه کنیم.

ادامه ←



خانواده در هر حال با مرد است، حق طلاق با مرد است، ارث زنان نصف مردان است، حق حضانت فرزند با پدر است، و اینها همه از جمله ستم هایی است که در حق زنان می شود. این شرایط را تنها با کنار زدن نظام طبقاتی و اسلامی حاکم میتوان عوض کرد.

باید بر این امر واقف بود که تنها از مجرای سیاست سوسیالیستی و کمونیستی میتوان جوابگوی خواست انسانی نصف جمعیت مملکت یعنی زنان بود. تنها با میدان آمدن و دخالت خود آنها و توجه به این حقیقت که زن ضمن تحمل نابرابری به عنوان جنس زن، اکثریت زنان به دلیل تعلقش به طبقه کارگر و زحمتکش همواره مانند کارگر و زحمتکش نیز مورد سرکوب و ستم قرار دارد. اینرا در بازار کار و اداره جات و بیرون منزل به وضوح می بینیم. از این جهت مبارزه ما برای خلاصی از ستم در گرو به میدان آمدن جنبش آزادیخواهانه و متحد زنان و مردان و قبول این واقعیت که جنبش ما باید بیشتر رنگ طبقاتی و آگاهگرانه سوسیالیستی داشته باشد، قرار دارد.

نه فقط در کشور ایران و بقیه کشورهای اسلام زده تا زمانی که چنین حاکمیت های حاکم اند زن آزاد نمی گردد، در هیچ جمهوری بورژوازی، حتی دموکراتیک ترین جمهوری ها و پارلمنتاریست های پیشرفته کشورها، برابری زن و مرد حل نشده است و زن کاملاً آزاد نیست و نمی شود. دلیل اصلی این است که هر جا سرمایه و سرمایه داری وجود دارد، در هر جا مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه ها وجود دارد، و در هر جایی که قدرت سرمایه حفظ شده است، طبقه حاکمه از زن به عنوان نیروی کار ارزان و در خدمت سرویس دهند به طبقه حاکمه که مرد سالاری یک رکن آن است سود میبرد و در نتیجه مردان در این نظامها، چه اسلامی، چه دموکراتیک، چه ملی و چه ناسیونالیستی به اندک تفاوت های امتیازات خود را حفظ می کنند.

در نتیجه همانگونه که رهایی کارگران باید توسط خود کارگران عملی گردد، و به همان شیوه رهایی زنان نیز امریست که توسط مبارزه خود زنان مبارز و آگاه و به عنوان بخشی از مبارزه آزادیبخش کارگری و اجتماعی به نتیجه خواهد رسید. ما زنان باید برای کوچکترین آزادیها از جمله آزادی پوشش باید هر روز مبارزه کنیم و باید این مبارزات را در پرتو یک مبارزه و افق بزرگتر که رهائی کامل زن و برابری و آگاهی طبقاتی زنان اساس مبارزه آنان را بر علیه نابرابری جنسی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره تشکیل می دهد سازمان پیدا کند.

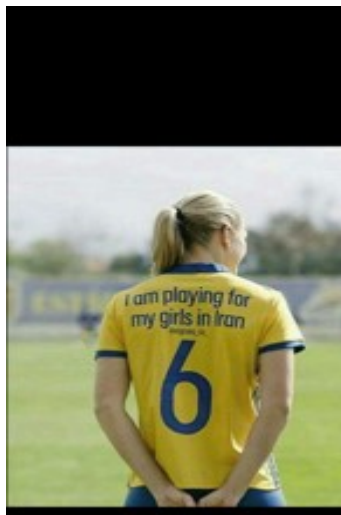
مساله بیکاری، نابرابری جنسی، عدم پرداخت دستمزد، مساله مالیات، خشونت جنسی، ازدواج اجباری، چند همسری، قتل های ناموسی و بسیاری دیگر از این مسائل، را باید در دستور آگاه گری انقلابی خود قرار داد و زنان را دور یک صف و مبارزه انقلابی و سوسیالیستی سازماندهی کرد.

**دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!**



در استقبال از روز جهانی زن...  
→**د. حقیقی: زنان ایران طی**

چهار دهه اخیر در کنار طبقه کارگر و توده های مردم بیشترین مشقت ها را از دست رژیم جمهوری اسلامی چشیده اند. تحقیر و بی حقوقی زنان در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی حد و مرزی نمی شناسد. جمهوری اسلامی بسیار کوشید تا با اتکا به اعتقادات مذهبی، ستم بر زنان را درونی کند و آنان را متقاعد سازد که به موقعیت



فرو دست خود تمکین کنند، اما نه تنها در این کار توفیق نیافت، بلکه آتش نشان خشم و نفرت آنان را نیز برافروخت. اگر امروز هر جا حرکت و مبارزه ای هست، زنان را در صف مقدم آن مشاهده می کنیم که تنها بخش کوچکی از آن موج عظیم و خروشان است که در راه می باشد. یک هوشیاری اجتماعی بالا، یک اعتماد به نفس قوی و یک سرسختی و قاطعیت کم نظیر در جنبش رهایی زنان در ایران در حال شکل گیری است. این جنبش در کنار جنبش کارگری از ستونهای اصلی انقلاب آتی در ایران خواهد بود. انقلابی که در هر گام پیشروی خود یکی از پایه های ستمکشی زنان را فرو خواهد ریخت...

آنچه که در این میان برای زنان مبارز ایران که آرزوی بر اندازی این حکومت را در سر می پروراندند و در همان حال نیز اهمیت حیاتی دارد، این است که جنبش رهای بخش زنان برای دستیابی به جامعه مدرن و انقلابی و برابر، باید از مبارزات چهار دهه گذشته خود و افت و خیزهایش درس بگیرد و در دام توهمات فریبکارانه، لیبرالی و ملی مذهبی و مجاهدینی و دیگر مهره های دست پرورده کاخ سفید که امروز در نقش خبرنگاری طبل نابودی جنبشهای انقلابی زنان را میکوبند و در تلاشند ماهیت انقلابی جنبشهای برابری طلبی را از بین ببرند و آنرا در چند تا حرکت کوچک خیابانی یا آزادیهای یواشکی خلاصه کنند، گرفتار نشوند. چنین جنبشهایی نمی تواند پیروزی خود را از مرتجعینی گدایی کند که اساس اعتقاداتشان بر پایه ستمکشی زن بنا شده است. خواست رهایی ما زنان از قید و بندهای مردسالاری و از اسارت قوانین مذهبی، از خواست طبقه کارگر برای رهایی از استثمار سرمایه داری جدا نیست. برای زنان و مردان کارگر، رهایی زنان از ستمکشی و بی حقوقی، شرط پیشروی آنها برای رهایی از استثمار سرمایه داری است.

امروز شرط پیشروی مبارزات زنان در ایران و در تمام عرصه های مبارزه، توده ای شدن و اجتماعی شدن جنبش زنان است. برای تبدیل شدن جنبش زنان به یک جنبش توده ای و اجتماعی باید توده زنان کارگر و زحمتکش را در ابعاد

**مینا ستوده:** در گذشته روز بین المللی زنان کارگر نامیده می شد. بزرگداشتی است که هر ساله در روز ۸ مارس برگزار می شود این روز، روز بزرگ بر پای جشن هایی برای زنان در سراسر جهان است بسته به مناطق مختلف، تمرکز جشن بر بزرگداشت و دفاع از حقوق زنان، قدرانی، عشق به زن و برگزاري جشنی برای دستاوردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان است.

حقوق زنان اصطلاحی است که اشاره به آزادی و حقوق زنان در تمامی سنین دارد. ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشوند. دلیل گروه بندی خاص این حقوق تحت عنوان زنان و جدا کردن آن از حقوق عام تری مثل حقوق بشر به رسمیت شناخته میشوند. اما مدافعان حقوق زنان نشان می دهند که به دلایل تاریخی و فرهنگی زنان و دختران بیشتر از مردان از مشمول این حقوق خارج می شوند. اگر زن از ایفای نقش اجتماعی محروم شود از رشد اجتماعی او کاسته می شود و جامعه ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی محروم باشند مسلماً جامعه رشد یافته ای نخواهد بود. زیرا جامعه از احاد انسانیهای تشکیل میشود که با تربیت ها و فرهنگ های متفاوتی از خانواده ها شکل میگیرند و وارد جامعه می گردند زنان رهبران اولیه هدایت فکری، اعتقادی و عاطفی جامعه هستند و وظیفه اصلی آنان فروران ساختن مشعل پر مهر و صفا و صمیمیت خانواده و حفظ اساسی و بنیان این کانون هدایت است.

**مینا تهرانی:** راه پایان دادن بر ستم زن و بویژه در ایران چیست؟ این سوال سالهاست که در تمام ابعاد سیاسی فرهنگی اجتماعی مذهبی (در کشورهای اسلامی که رد پای مذهب را در تمام شئون زندگی میتوان دید) مطرح شده و راهکار های متفاوتی هم در این زمینه ارائه شده و تغییراتی هم انجام شده اما اصلا کافی نیست. و به نظر من مهمترین مسئله در قانونمند بودن و اجرایی بودن آن است. و همچنین آگاهی و آموزش را از مهمترین رکن برای رفع ستم از زن میدانم که در بسیاری از موارد به دلیل عدم آگاهی حقوق مادی و معنوی او زیر پا گذاشته میشود. تا وقتی یک قانون مدون و مدرن و مطابق با استانداردهای روز دنیای مترقی و پیشرفته که با شئون انسانی تصویب و حمایت صد در صدی هر نهاد قانونی که مجری آن است نرسد این امر مهم عملی نخواهد شد. مهمترین عاملی که موجب رفع ستم و بدست آوردن حقوق اجتماعی زنان میشود آگاهی و اعتماد به نفس و خودباوری در زنان و داشتن استقلال در تمام عرصه های اجتماعی است که هم چون مردان حق برابر در تمام عرصه داشته و پابهای مردان در پیشبرد و سازندگی جامعه شریک باشند و قتی زنان از حمایت همه جانبه دولتی و قانونی بهره مند باشند و رفاه و امنیت جامعه میتواند زنان قدرتمند بسازد و جامعه و دنیا را متحول کند و در نهایت این نکته مهم لازم به ذکر است که دست مذهب از هر نوع و شکلش باید از قانون جدا شود و به یک امر کاملاً خصوصی برای افراد.

← ادامه

**نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری**

در استقبال از روز جهانی زن...  
→

اگر به خانه ی من  
آمدی  
برایم مداد بیاور، مداد  
سیاه  
می خواهم روی چهره  
ام خط بکشم  
تا به جرم زیبایی در  
ققس نیفتم  
یک ضربدر هم روی  
قلبم تا به هوس هم  
نیفتم!  
یک مداد پاک کن بده  
برای محولب ها  
نمی خواهم کسی به  
هوای سرخیشان،  
سیاهم کند!

یک بیلچه، تا تمام  
غرایز زنانه را  
از ریشه در آورم  
شخم بزنم وجودم را...

بدون این ها راحت تر به بهشت می روم گویا!

یک تیغ بده، موهایم را از ته بتراشم،

سرم هوایی بخورد

و بی واسطه روسری کمی بیاندیشم!

نخ و سوزن هم بده، برای زبانه

می خواهم ... بدوزمش به سق

!... اینگونه فریادم بی صدا تر است

قیچی یادت نرود،

می خواهم هر روز اندیشه هایم را ساتسور کنم

پودر رختشویی هم لازم دارم برای شستشوی مغزی!

مغزم را که شستم، پهن کنم روی بند تا آرمان هایم را باد با خود ببرد

به آنجایی که کسی نی نینداخت

می دانی که؟ باید واقع بین بود!

صداخفه کن هم اگر گیر آوردی بگیر!

می خواهم وقتی به جرم عشق و انتخاب، برچسب فاحشه می زنم

بغضم را در گلو خفه کنم!

یک کپی از هویتم را هم می خواهم

برای وقتی که خواهران و برادران دینی

به قصد ارشاد، فحش و تحقیر تقدیم می کنند،

به یاد بیاورم که کیستم!

ترا به خدا...

اگر جایی دیدی حقی می فروختند برایم بخر...

تا در غذا بریزم

ترجیح می دهم خودم قبل از دیگران حقم را بخورم...!

سر آخر اگر پولی برایت ماند

برایم یک پلاکارد بخر به شکل گردنبنده،

بیاویزم به گردنم...

و رویش با حروف درشت بنویسم:

من یک انسانم

من هنوز یک انسانم

من هر روز یک انسانم...!

غاده السمان شاعر سوریه

میلیونی به میدان مبارزه آورد. برای انجام این امر باید بر استقلال اقتصادی زنان و بر خواستها و نیازهای رفاهی زنان تأکید کرد و مسیر درست تحقق این خواستها را نشان داد.

زنان در عین اینکه در محیط های کار و زندگی همراه با مردان در تشکلهای مختلف سیاسی و طبقاتی متشکل خواهند شد، لازم است به منظور هر چه توده های تر شدن جنبش رهائی زن، در ابعاد وسیع تری تشکل های رادیکال و پیشرو زنان را ایجاد کنند. حزب ما، حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب جدی در راه برقراری برابری زنان و مردان در همه عرصه ها، مشوق ایجاد چنین تشکلهائی بوده و از آنها پشتیبانی خواهد کرد.

ما در حزب سوسیالیست انقلابی می خواهیم یک قطب سیاسی چپ رادیکال و مارکسیستی نیرومند در میان جنبش زنان در ایران، تشکیل دهیم و برای برقراری آن نیز تمام آزادیخواهان و زنان و دختران انقلابی را در سراسر ایران فرا می خوانیم.

ما می خواهیم به عنوان یک رزمنده کمونیست و انقلابی برای این مهم مبارزه کنیم. لذا برای پیش بردن این امر مهم هر مبارز آزادیخواه و هر حق طلبی که پیگیرانه خواهان از میان برداشتن اشکال مختلف تبعیضات جنسی، مذهبی، سیاسی، ملی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میباشد در جمع خود فرا می خوانیم که در جمع انقلابی ما متشکل شود.

## روز جهانی زن به همه زنان و آزادیخواهان مبارک باد!

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند. (بر گرفته از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی)

برای پایان دادن به ستم و نابرابری و بی حقوقی زن باید نظام طبقاتی حاکم را به زیر کشید!

## نامه درخواست پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی ایران

دبیر محترم حزب سوسیالیست  
انقلابی ایران آقای سلام زیجی!

با سلام، قبل از هر چیز انتخاب  
شایسته شما را به این سمت  
تبریک میگم وهم چنین خسته  
نباشید جهت مبارزات  
آزادیخواهانه و پیگیر وبی امان شما  
طی سالیان طولانی و آرزوی  
موفقیت روزافزون برای شما وتمام  
اعضای محترم وفعال این حزب را  
دارم.

بدینوسیله بعداز اعلام پایان فعالیت  
خود با "حزب کمونیست کارگری"  
اعلام و تقاضای عضویت من در  
حزب سوسیالیست انقلابی ایران را  
پذیرا باشید. به این دلیل تقاضای  
عضویت این حزب را دارم زیرا  
چشم انداز واهداف والای انسانی  
مردمی وانقلابی و عمل گرا را در  
این حزب میبینم. امیدوارم فرد  
مفیدی برای حزب ومردم کشورم تا  
رسیدن به هدف نهایی که همانا  
رهایی مردم از ظلم وستم از  
حکومت دد منش جمهوری کثیف  
اسلامیست باشم. تنها راه نجات  
انسان ها از تمام نابرابری وظلم  
وجور وفساد سوسالیزم است.

مردم شریف وعزیز زحمتکش  
ایران اگر ایرانی آباد آزاد و بدور  
ازهر نوع تبعیض را خواهان  
هستید به این حزب بپیوندید، زیرا  
تنها را نجات مردم از تمام مصیبتها  
طی این دوران چندین ساله به مردم  
روا داشته اند را پاسخ میدهد  
وبرنامه دارد.

زنده و برقرار باد حزب  
سوسیالیست انقلابی ایران

مینا تهرانی

۱۲/۱۱/۱۳۹۶

۲۰۱۸-۲-۱۲ برابر با

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و  
رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون  
تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با "توده ها" و  
دنیای سیاست، از جانب احزاب سیاسی و نوینی مانند حزب  
سوسیالیست انقلابی ایران است.

این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی  
زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای  
سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری،  
استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعداز نابود  
کردن این رژیم جهل و جنایت باید شناخت و به آن پیوست(س-ز)

	
درخواست عضویت از حزب	
<b>﴿ فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران ﴾</b>	
نام :	
نام خانوادگی :	
محل سکونت :	
شغل :	
علل پیوستن به حزب :	
سابقه فعالیت سیاسی :	
در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟	
آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟	
تلفن :	
ای میل :	
اینجانب ... .. با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست واهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.	امضا... تاریخ...
www.simroz.org	آدرس مایل ارسال درخواست عضویت
iransocialist2017@gmail.com	

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن رابازبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

محمد میخواهدبنحوی وانمود کندانگار جبرئیل حضور فیزیکی اش به گونه ایی است که بتوان از او یک جبهه جدید ساخت و دشمنان فرضی او که قوم یهود هستند به مقابله بایکدیگر برخاسته اند، در این راستا کتاب ساختگی و تفکرواهی خود را که از آسمان توهم گرفته است هدایتگرویشارت دهنده جلوه نماید.

(آیات ۹۸ و ۹۹): "هر که با خدا و فرشتگان و پیغمبران او و جبرئیل و میکائیل دشمن است و خداوند هم دشمن کافر آنست. و ما برای اثبات پیغمبری تو آیات و دلایلی روشن فرستادیم و بجز کافران و اهل عناد کسی انکار آن دلایل نخواهد کرد."

به همین سادگی انسان خدا و فرشتگان جهنم و بهشت را آفرید و بدین ترتیب دشمنان واقعی بشر خلق شدند و بی آنکه زود خورد فیزیکی صورت گیرد، همین موضوع انسانهارا به دو گروه با خدا و بی خدا تقسیم و بایکدیگر به دشمنی و عناد با هم برخاستند.

(آیات ۱۰۰ و ۱۰۱): "چرا هر عهد و پیمانی که بر بستند گروهی میشکندند تنها عهد میشکند بلکه اکثر آنها اصلا ایمان نخواهند آورد. و چون پیغمبری از جانب خدا بر آنان فرستاده شد که بر راستی کتاب آنها گواهی میداد گروهی از اهل کتاب کتاب خدا را پشت سر انداختند گویی از آن کتاب هیچ نمیدانند."

شماها که میدانید اینان ایمان نمی آورند چرا از روز اول خلقتشان کردی که هم خودتان را می آزارید و هم آنان را در ضمن عهد و پیمان شما هم یکطرفه است و هم از بالا به پایین است.

(آیه ۱۰۲): "و پیروی کردند سخنانی را که دیوان در قلمرو سلیمان میخوانند و هرگز سلیمان بخدا کافر نگشت لیکن دیوانه همه کافر شدند و سحر به مردم می آموختند و آنچه بر دوله هاروت و ماروت بیابان نازل گردید یاد میدادند و در صورتیکه آن دوله به هیچکس چیزی نمی آموختند مگر آنکه بدو میگفتند که ماتور از ما پیش میکنیم مبادا کافر شوی پس می آموختند به مردم چیزی که بدان میان زن و شوهر جدایی می افکنند و به کسی زیان میرسانیدند مگر آنکه خدا میخواست و چیزی می آموختند که به خلق زیان میرسانید و سود نمی بخشید و هر آینه میدانستند که هر که این معامله کند در آخرت اصلا بهره نیابد و ببهای بدی خود را فروخته اند اگر بدانند."

درون ادیان فقط دورنگ سیاه و سفید است، یا شما خوب هستید یا بد، یا شما از ما هستید یا بر ما، خودخواهی تکبر کینه ورزی و انتقام در این آیه بسیار مشهود است، مکتبی که تشنه قدرت است پس از رسیدن به آن سیراب میشود و او را تشنه فروکش میکند امیدوارم هیچ مکتبی آرزوی قدرت نکند چونکه بر آورده شدن آرزو آرزوهای بزرگتری بهمراه دارد که برای رسیدن به آن دست به هر کاری میزند و بدین اسلام یکی از آن مکتبهاست، رهایی از چنگال دیو صفت اسلام که دامگیر میلیونها انسان آزاده گردیده مستلزم گام برداشتن بسوی آگاهیست و این مهم محقق نمیشود مگر آنکه پاهایمان را روی ترس بگذاریم و رو بسمت بیداری حرکت کنیم... ادامه دارد

زنده باد کارگر، نابود باد حاکمیت دینی، زنده باد حزب سوسیالیست

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocialist2017@gmail.com

(سوره بقره). (آیات ۹۲ و ۹۳): "و هر آینه موسی برای شما معجزاتی آورد (آشکار) آنگاه شما گوساله پرستی انتخاب کردید که سخت نابکار و ستمکار مردمید. و بیاد آرید وقتی را که از شما عهد گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما داشتیم که بپای آنچه فرستادیم بقوت ایمان پذیرید و سخن حق بشنودید زبان گفتید بشنویم و بعمل عصیان کردید و از آنرو دلهای شما فریفته گوساله شد که بخدا کافر بودید بگوای پیغمبر ایمان شما ساخت شمارا بکار بدو کردار زشت میگذارم در اگر ایمان داشته باشید"

دقیقاً این دو آیه بار دوم است که در سوره بقره آمده و این حکایت از فریب دادن جامعه آلمان صدر اسلام را دارد که میخواست یکتنه حکومت و امپراتوری استبدادی خود را در جهان پیاده کند و متأسفانه در این امر هم تا حدود زیادی موفق بوده، اگر بر راستی معجزاتی که قرآن از آن نام میرود واقعی بود حداقل گرسنگی و فقر را میتوانستند در دنیا از بین ببرند تا این همه کشت و کشتار وجود نیاید، آنها حتی در برابر عدالت عاجز و درمانده بوده اند. جالب اینجاست که هر وقت یک رهبر دینی با کتاب رسمی به اصطلاح کتاب آسمانی ظهور کرده در آنوقت بیشترین ناعدالتی و استبداد را مشاهده میکنیم

(آیات ۹۴ و ۹۵): "بگو این پیغمبر که اگر سرای آخرت با آن ناز و نعمت را خداوند بشما اختصاص داده دون سایر مردم بایست به مرگ مشتاق و آرزو مند باشی اگر در این دعوی راست میگوئی و هرگز آرزوی مرگ نکنند زیرا عذاب سخت بسبب کردار بد در آخرت برای خود مهیا کرده اند و خدا داناست به همه ستمکاران"

نیروی خود ساخته مکاران دینی فقط سیاه و سفید رامیشناسد، یا رومی روم یازنگی زنگ. اگر بهشت جاودان را میخواست پس زندگی دنیایی را ببخشا به دلالت و واسطه هایی که خود شرایط استبداد را بوجود آورده اند.

(آیه ۹۶): "و بر همه کس بخوبی پیداست که طایفه یهود به حیات مادی حریص تر از همه مردمنده حتی از گروه مشرکان به این جهت هریهودی آرزوی هزار سال عمر میکند و اگر هم آرزوی حصول پیوند عمر هزار سال نیز او را عذاب خدایان و خدا از کردار ناپسند آنها آگاست."

دین اسلام که خود همیشه بانی و مروج اتحاد و همبستگی خطاب میکند در اینجا با تو حین و حقیر شمردن بزرگترین قوم آن زمان تخم کین و تفرق را در راستای استبداد و استعمار نوین در درون اذهان عمومی کاشته و همین موضوع سبب شد تا جنگهای بسیاری باعث ویرانی و فقر و گرسنگی و نفاق در صدهای متمادی شود.

(آیه ۹۷): "بگوای پیغمبر به طایفه یهود که با جبرئیل اظهار دشمنی میکنند هر که با جبرئیل دشمن است با خدا دشمن است زیرا او بفرمان خدا قراقرز را بقلب پاک تورا رسانید در صورتیکه آنقرآن گواه راستی سایر کتب آسمانی است و هدایت و بشارت برای اهل ایمان.."

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!



## مضحکه "رفراندوم" سران رژیم و "اپوزسیون" بورژوازی، طرحی برای عبور از "خطر" سرنگونی انقلابی

عزیز آجیکند

در سخنرانی روز ۲۲ بهمن، سالگرد قیام مردم ایران علیه رژیم پهلوی، روحانی جلا، مرد هزارچهره نظام جمهوری اسلامی واز مصادره کننده گان قیام مردم ایران در چهلین سالگرد انقلاب سال ۵۷، باریگر به عنوان سخنران این روز به پشت تریبون پراز جنایت جمهوری اسلامی رفت و به ایرادی سخنانی عوامفریبانه ای مبنی به رجوع به رفراندوم در چهار چوب قانون اساسی" پرداخت.

سخنان روحانی اگر چه فریبکارانه و وقت خریدن برای عمر نظامش می باشد، اما واکنشهای متفاوتی را نیز به دنبال داشت. اکثریت مقامات جمهوری اسلامی که در جبهه اصولگرایان متمرکز هستند گفته اند که روحانی بازی خطرناکی را با سرنوشت جمهوری اسلامی آغاز کرده است. این بحث اصلاح طلبان درون و بیرون از قدرت را نیز وادار به واکنش کرده است و عملاً شکاف دیگری را نیز در بین آنان رقم زده است. شکافی که عملاً به یک انشعاب سیاسی در جبهه اصلاح طلبان حکومتی چه در داخل و چه در خارج و با پوشش سلطنتی و با پسوند و چهره های متفاوت که برای همگان شناخته شده اند، ختم شده است. اصلاح طلبانی که شریک جرم و جنایت آیین آقایی و آقازاده میباشند و در آنور آنها گهگاهی قلم فرسایی میکنند و مستقیم و غیر مستقیم قلب شان برای آینده نظامشان می تپد و برای درازای عمر نظام کثیفشان خط و نشان می کشند و از سازمان ملل متحد و هزاران انسان مجرمی که در جبهه "اصلاح کردن" این رژیم قرار دارند، می خوانند تا از طرح پیشنهاد رفراندوم روحانی برای بقای نظام تنها یادگار امام محبوبشان دفاع و حمایت کنند.

بحث رفراندوم در ایران تازگی ندارد و برای خود تاریخی را از سرگذرانده است. روز پنجشنبه دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ اولین رفراندوم مضحک در تاریخ حکومت تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی رقم میخورد. ۱۲ فروردین، روز تحمیل رژیمی به مردم ایران که "جمهوری اسلامی ایران" نام گرفت. ۴۰ سال پیش در روز دوازدهم فروردین سرکوب کنندگان و مصادره کنندگان انقلاب ۵۷ ایران به رهبری "خمینی"، طی نمایشی به نام: "همه پرسى از مردم ایران" و تنها با یک سوال "جمهوری اسلامی آری یا نه" و در حالی که سرکوب و سرنیز و قدرت در دست خودشان بود، حاکمیت جهل و خرافه و سرکوب خود را بر نزع رفراندوم به این کشور تحمیل نمودند. روز ۱۲ فروردین سال ۵۸، در حالیکه هنوز دو ماهی از پیروزی قیام مردم نگذشته بود و توده های مردم پی به ماهیت ارتجاعی و اهداف جنایتکارانه آنها نبرده بودند، دار و دسته خمینی با شعار "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر" به میدان آمدند تا مردم را ملزم گردانند که از میان دو رأی "آری" و "نه" یکی را انتخاب کنند و با شرکت در این باصطلاح "همه پرسى"، به نظام جمهوری اسلامی آری یا نه بگویند. خمینی برای برگزاری این نمایش تعجیل بسیار داشت. زیرا می دانست اگر مردم فرصت بیابند با چشمان باز در مورد ماهیت حکومت اسلامی قضاوت کنند، نتایج رفراندوم آنگونه نمی بود که وی انتظار داشت و رقم خورد.

جمهوری اسلامی در یک سرازیری افتاده که در صورت تامین هژمونی رادیکال و انقلابی انتهای آن به سرنگونی و به نفع جامعه میتواند ختم شود. بحرانهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گریبانگیر رژیم عمیق تر شده اند و چشم اندازی برای بهبود ندارند.

کارگران و زحمتکش و زنان و جوانان انقلابی، که شیشه عمر رژیم را در دست دارند، برای تامین یک زندگی شایسته انسان، برای دفاع از آزادی و کرامت انسانی خود راهی جز سرنگون کردن این رژیم ندارند. هر لحظه از طولانی شدن عمر این لانه فساد و استبداد، به معنای رنج و تباهی بیشتر انسانهاست. چیزی که امروز توده های زحمتکش در ایران آنرا با رگ و پوست لمس میکنند.

سیمای آینده جمهوری اسلامی ایران را امروز می توان در آئینه نگرانی های مشترک مقامات ریزو درشت داخل با انواع پسوند و غیر پسوند و اصلاحطلبان آنور آبهای اروپا نشینی چون، محسن سازگارا، شیرین عبادی، بنی صدرودهها مهره پرورده مکتب خمینی دید و به روشنی مشاهده کرد. چنانچه نیروهای انقلابی و سوسیالیست بهتر عمل نمایند و کارگران به میدان بیایند جمهوری اسلامی با همه موافقان هر دو طرف آنها، در این عرصه ظرفیت هایش سوخته خواهد شد و کارت نجاتی چون طرح رفراندوم نیز نمی تواند معجزه آفرین برایش باشد. روحانی و دیگر جلاخان رژیم میدانند مانوری ندارند و در موقعیتی هستند که نه راه پیش دارند و نه راه پس.

طرح رفراندوم از سوی ۱۵ مهره، که بیشترشان بیرون رانده از "نظامشان" هستند، به مراتب مضحک تر از "رفراندوم" امثال خمینی و روحانی است. سازمان بی خاصیت ملل اینها هم در این باره کاری از دستش بر نمی آید و اقدامی به نفع آزادی و برابری نخواهد کرد چرا که خود نگهبان و سازنده چنین دولتهای جنایتکار و جهان مملو از جنایت و جنگ و گرسنگی و آزادی کشینها است. درخواست رفراندوم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و زیر سایه سرنیزه همین نظام و بدون وجود کوچکترین آزادیها برای نیروهای انقلابی و آزادیخواه نه تنها مضحک که تلاشی در جهت تثبیت این نظام قاتل و تکرار سناریو شبیه امام خمینی شان است، در شکل دیگری. اقدامی است کاملاً به هدف کنار زدن روند سرنگونی انقلابی و رسیدن به آزادی و برابری در جامعه. جمهوری اسلامی را نه با "رفراندوم" بلکه با قهر انقلابی و انقلاب کارگری و آزادیخواهی باید در هم کوبید، این است راه حل واقعی ما، بگذار مرتجعین حاکم و اپوزسیون بی خاصیت ضد انقلابی بر خود بلرزند ما کارگران و زنان و جوانان و آزادیخواهان جز سرنگونی و انقلاب و استقرار آزادی و برابری و سوسیالیسم به هیچ طرح مضحکی تن در نخواهیم داد!

امروز اکثریت قاطع مردم ایران و به ویژه کارگران و مردم زحمتکش خواهان سرنگونی این رژیم هستند. نه اصلاح و نه رفراندوم نمیتواند به کمک نظام جمهوری اسلامی بشتابد. در رویدادهای ۷ دیماه امسال حکومت جمهوری اسلامی یکبار دیگر مشروعیت خود را از "نه به جمهوری اسلامی" در خیابان از زبان معترضان و مخالفان گرفت. پس نباید اجازه داد که جمهوری اسلامی با روشهای فریبکارانه و به تدریج این وضعیت آشفته و بحرانی را عبور دهد و وضعیت موجود و گرانی و بیکاری و هزاران مصائب اجتماعی ناشی از آن را از راه سر کار گذاشتن جامعه تحت عنوان "رفراندوم" ماست مالی کند. این سطح از فقر و محرومیت و سرکوب و به عدالتی دیگر برای کارگران و توده میلیونی مردم قابل تحمل نیست. کارگران و توده مردم محروم مطالبات خود را پیگیری خواهند کرد و رژیم جمهوری اسلامی با فریبکاری و بزک کردن چهره خود با رنگ و لعاب همه پرسى تقلبی و بی مایه نمی تواند از امروز به فردا برای بقای خود فرصت بخرند. کاسه صبر این مردم لبریز خواهد شد و برای نجات خود و فرزندانیشان از فلاکت موجود، مبارزات خود را گسترش خواهند داد.

**تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است!**

## چرا حزب سوسیالیست انقلابی ایران روی تجربه انقلاب ۱۳۵۷ فکوس کرده است؟



تردید حول بر حق بودن انقلاب ۵۷ نیست و نباید باشد. اما باید با قاطعیت بر حقانیت نیروهای که همان سیاستها و تاکتیکها و اهداف های را که سال ۵۷ دنبال کردن و منجر

به شکست انقلاب آزادیخواهانه ۵۷ و آمدن جریان فاشیست خمینی شد، تردید کنند و دوباره فریب آن سیاستها و تبلیغات عوامفریبانه همه با هم و پوپولیستی نخوریم. این نیروها اتفاقا در شکل دیگری همین دوره با همان سیاستها فعالتر شده اند و این مخاطره را باید جدی گرفت. طبقه کارگر ایران به خصوص شرکت نفت در سرنگونی شاه نقش جدی داشت، شیر نفت و بنزین، را بست که نیروهای سر کویر شاه و ماشینهای جنگی آن حکومت را زمین گیر کرد. در عرض یک سال با تظاهرات گسترده و اعتصابات بزرگ توانست یک حکومت دیکتاتور و دزد و فاسد تا دندان مسلح شاهنشاهی را سرنگون کند. نقش برجسته جریانات که خود را چپ و کمونیست میدانستند و نقش معلمان و زنان و روشنفکران آن دوران تاثیر بسزایی داشت جریانات اسلامی و آخوندها و نهضت آزادی و جبهه ملی و غیره هم فعال بودند و شرکت داشتند. اما توجه کنید نقطه ضعف انقلاب ۵۷ چه بود و چرا شکست خورد؟ چرا یک حکومت دیکتاتور و دزد و فاسد سلطنتی سرنگون شد و به جای آن جمهوری اسلامی به مراتب فاسد تر و دزدتر و دروغگو تر و آدم کش تر جانشین آن شد؟ چرا این همه زحمات و تلاش و خون دادن و خواست و آرزوهایی که برایش جنگیدیم همه بر باد رفتند؟ باید با دقت به علل آن و پاسخ به این چراها با مسئولیت کامل عمل نمود تا دوباره مرتکب همان سرنوشت و همان اشتباه نشویم! اولین ضعف و اشتباه این بود که احزاب چپ و کمونیست و آزادیخواه آن دوره به دلیل سیاستهای پوپولیستی و دنباله روانه که داشتند هیچ طرحی برای گرفتن حکومت و قدرت گرفتن بعد از سرنگونی شاه رو میزشان نبود. تجربه و اشتباه دوم پلاتفرمها و شعارهای که داده میشد ناپخته و مخدوش و غیر طبقاتی بودند. پرچم سوسیالیست- کارگری و کمونیستی یا حکومت شورایی و بسیج جامعه حول آن در دستورشان نبود. تجربه و اشتباه سوم این بود که بخشا به جای پای فشاری به شعارهای محوری مانند آزادی برابری حکومت کارگری، برابری زن و مرد، جدائی مذهب از دولت، آزادی بی قید و شرط سیاسی، نه به اعدام و غیره یا نبود یا بسیار ضعیف بود، در مقابل بخشا به دام سیاستهای دروغین "ضد امپریالیستی" و "مستضعف" پناهی خمینی و غیره افتادند.

میتوان به موارد زیاتری اشاره نمود اما همین نکات گویای ضعف و باخت جنبش آزادیخواهانه ما در سال ۵۷ بود. اینها نقاط ضعف اساسی بود که ما در مقابل ضد انقلاب جمهوری اسلامی و جبهه ملی ها و بنی صدرها و بازرگان و آخوندها و مجاهدین خلق و جریان اسلامی شکست خوردیم. این جریانات از مدیا و پول و تبلیغات از طرف کشورهای غربی و امریکا و رادیو بی بی سی بر خودار بودند و الترناتیو داشتند و خمینی را رو به جامعه ایران مثل "رهبر انقلاب" معرفی کردند. بر عکس جبهه چپ و کارگری و آزادیخواهی دوران ۵۷، نیروهای راست ملی و اسلامی بر هدف خود آگاه بودند و میدانستند برای پیروزی بر ما باید به هر قیمتی شده نگارند ایران

یک وجه مهم تلاش با ارزش دوره اخیر حزب ما دقیقا تمرکز روی تجاربهای اشتباه آمیز صورت گرفته در سال ۵۷، پیشگیری از تکرار مجدد آنها و اطلاع رسانی درست در این زمینه به جامعه، از جمله در مقطعی که اعتراضات گسترش پیدا کرده و احزاب راست و چپ به تحرك در آمدند، بود. امری که همچنان باید روی آن تمرکز داشت تا راه پیروزی جنبشمان را هموارتر نماییم. از این رو به نظر حزب کار خوبی دارد انجام میدهد. دارد به طبقه کارگر و زنان و جوانان و محرومان جامعه و آزادیخواهان و برابری طلبان و معلمان و دانشجویان و انسانهای شرافتمند و آنهایکه تشنه آزادی و زندگی بهتر و مدرن و انسانی تر هستند هشدار میدهد که دنبال نیروهای که آینده آزادی و برابری و آرزوهای شما را مانند سال ۵۷ به شکست میکشانند راه نیافتید، حزب و سیاست و راهای بهتری در صحنه حضور دارد، آنرا انتخاب کنید تا دوباره سرمان به سنگ نخورد.

حزب دارد با درایت سیاسی و دید طبقاتی روشن میگوید مواظب باشید دوباره کلاه سال ۱۳۵۷ سرمان نگذارند، این یک احساس مسئولیت بزرگی است که ما داریم در قبال آینده این جامعه انجام میدهم. حزب ما خود را مسئول میدانند در مقابل اکثریت جامعه ی که هم درد و هم رنج و هم منفعت هستیم. از سر چنین مسئولیتی است که این پیام مهم و تاریخی را هشدار میدهد. در ایران جنبشهای متفاوت و احزاب متفاوت و با منفعتهای متفاوت وجود دارند. هر جریانی براساس منفعت و سیاست طبقه خود امروز تجارب انقلاب سال ۱۳۵۷ را بررسی میکند و از درسهای آن برای آینده مورد نظرش درس میگیرد و تلاش میکند.

حزب ما تلاش میکند حقیقت را بگوید، نقطه قدرت و نقطه ضعف آن انقلاب را به نسل جوان معترض و سرنگونی طلب که پا به میدان گذاشته است و بدون یک ذره توهم میخواد این نظام فاسد و دزد و آدم کش را سرنگون کند، منتقل میکند تا بدانند چه کار کند و دوباره به چاه دیگری نیافتند، که به نیرو پیاده نظام جریانات غیر کارگری و اپوزسیون بورژوازی تبدیل نشود. حزب ما بدون توهم و بدون سازش با جریانات راست ایرانی، چه سلطنت طلب و چه مجاهدین خلق و یا ناسیونالیست ایرانی و قوم پرستها و ناسیونالیستها و امثال بنی صدر و دارودسته اش که همه شان در بستر جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری و ضدیت با آزادی و برابری و خوشبختی انسان وجه مشترک دارند، به میدان آمده تا به جامعه بگوید، نباید دنبال اینها رفت! حزب ما اعلام میکند این جریانات ربطی به منافع واقعی اکثریت جامعه ندارند و نباید دنبال روی از اینها کرد. اختلافات این جریانات با جمهوری اسلامی بر سر منفعت طبقه کارگر نیست، اختلافشان بر سر اینکه چرا زن در جامعه با بی حقوق مطلق و برده وار برخورد میشود نیست، اختلاف این جریانات با جمهوری اسلامی سر اعدام کردن انسانها به هر دلیلی که اعدام میشوند نیست، اختلافشان سر اینکه چرا مذهب جامعه را ویران کرده و یا باید از دولت جدا باشد نیست و... چون اکثر این جریانات خودشان مذهبی هستند و مذهب را برای استثمار طبقه کارگر و بقای سنت مرد سالاری و زهر چشم گرفتن از زنان برابری طلب و آگاه و سنت شکن لازم دارند. اینها تلاش میکنند این دین جهالت را سر پا نگاه دارند، چون مذهب یک رکن اساسی و ایدئولوژیکی حاکمان سرمایه داری است.

**تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است!**

## چرا حزب سوسیالیست انقلابی ...

## درود به همه نازنین ها، زندگی ادامه دارد!

ماریا یوسفزی

چند هفته قبل کابل شاهد خونبار ترین انفجارات بود که به صد هاجوان و پیر و کودک زن و مرد قربانی این حادثه شدند و صد ها نفر زخمی معیوب و معلول شد چندین خانواده به خون عزیزان خود سوگوار شدند اما باز هم زندگی ادامه دارد باز هم جوانان برای قلب های زخمی خود باز خوشی روز عاشقان را جشن میگیرند و برای لحظه ایی خود را شاد احساس میکنند اما برعکس بعضی ملا ها ی خرافاتی دینی و مذهبی که حتی دیده ندارند مردم شاد زندگی کنند به بهانه اینکه این تقلید دینا غرب و کفر برای مسلمان حرام است این تجاران دینی و مذهبی تا حدی مغز های شان شستشو شده حتی عشق ورزیدن را هم گناه می شمارند اما در بعضی موارد برای مردان حلالیت میدهند افسوس به حال بعضی جوان های که هیچ درس عبرت نمیگیرند همین مذهبیون و دلان دینی است که کشور را بر باد فنا زدند در این عصر تکنولوژی و مدرن مابه عقب رفته میریم.



**زنان افغان اجازه عاشق شدن را ندارند. این حقیقت زندگی برای زنان نسل من و زنان نسل مادر و مادر بزرگ های ما هست و بوده . این توصیه را یکی از ملا ها و دوست فیسبوک رای من نوشته بود خواستم با شما عزیزان شریک بسازم ولنتاین یا روز عاشق ها!!!**

برای ترویج فحشا و منکرات در میان جوانان مسلمانان این رسم و فرهنگ پوچ و بی معنی را رایج ساختند. از دیدگاه دین چنین روزی را تبریک گفتن و تجلیل کردن گناه است جوان مسلمان خواهر و برادر متوجه باش هر وقتی به نکاح شرعی همسر حلال خود را در زندگی به دست آوردی او وقت است که هر روز تو به خوشی و خوشبختی سپری می شود . در غیر آن دوست دختر داشتن از نگاه دین و تجلیل این روز ها جز از گناه و فحشا چیزی دیگه ای به بار نمی آورد . دقت کنین نگذارین که فرهنگ های پوچ و بی معنی در زندگی تان حاکم شود . و بیابین به عنوان یک جوان مسلمان دست رد به اینگونه فرهنگ ها بزنیم تا باشد که از میان جامعه اسلامی ما چنین افکار بیرون شود . خواهران و برادران خود را توصیه کنیم تا دیگر تابع فرهنگ های غربی نباشند نگذارند دیگران به زندگی شان بازی کرده و عزت و آبروی شان را به بیغما ببرند بهترین دوستی بعد از ازدواج شرعی و نکاح حلال به دست می آید قبل از آن هر دوستی و پیوندی اکثرا جز از بی عفتی و ذلت و خواری چیزی دیگری نیست . همیشه اینطور بوده و زنان هرگز اجازه نداشتند ابراز عشق کنند.

بعد از شاه به ایران آزاد و خوشبخت و سوسیالیستی تبدیل گردد. شعارهای مشخص پوپولیستی و عوامفریبانه خود را داشتند، برای نمونه "آزادی استقلال جمهوری اسلامی"، "نفت رایگان" و غیره، "نه شرقی نه غربی" در حالی که خودشان دست ساخته و فرستاده آنها بودند اینها از شعارهای اصلی و اساسی جریان ارتجاع بود که متأسفانه بخش زیادی از "کمونیستها" و چپهای پوپولیست آندوره دنبال این شعارها افتاده بودند. و سرانجام بخش مهمی از نیروی ما را به سربازان کمک کننده به قدرت رسیدن همین رژیم فاشیست تبدیل کردند. نقش حزب توده و فدائیان اکثریت از نقش خود خمینی ویرانگرتر و جنایتکارانه تر بود برای شکست دادن روند انقلاب آزادیخواهانه سال ۵۷.

تمام تلاش دولتهای غربی و امریکا و جریانان راست ارتجاعی و اسلامیه و شخص خمینی جلاد این بود که مبادا کمونیستها قدرت بگیرند این اولویت دولتهای غربی و امریکا و این جماعت بود. امروز هم داستان دقیقا همین است. امروز هم همه بسیج شده اند که اجازه ندهند طبقه کارگر و زنان و جوانان سوسیالیستهای آزادیخواه که در صف مبارزه علیه جمهوری فاسد اسلامی است با سرنگون کردن رژیم قدرت را بگیرند. پایفشاری ما برای درس گرفتن از سال ۵۷ دقیقا به هدف مقابله با تکرار مجدد همان سناریو است. هدف حزب ما این است درحد و توان خودمان درروند سرنگونی جمهوری اسلامی راه درست و سیاست روشن و طبقاتی و برنامه روشن داشته و نقش پیشبرنده ای در جهت پیروزی آزادی و برابری و سوسیالیسم ایفا کنیم.

حزب ما تلاش میکند تاریخ صد سال مملو از جنایت و استبداد و زندان و اعدام و میدان داری اسلاميون و شونیسیم و ناسیونالیسم گرائی ایران را پاک کند . و ما تلاش میکنیم تمام جریانان چپ و کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب در ایران متوجه کنیم که اشتباهات ۵۷ تکرار نشود . حزب ما تلاش کرده و خواهد کرد فضای سیاسی مناسبتری به وجود بیاورد که در نبرد برای سرنگونی رژیم اسلامی طیف چپ و آلترناتیو سوسیالیستی با قدرت بیشتر به میدان بیایند. از این رو تلاش میکنیم در حد امکان به کاهش دوری سیاسی و پراکندگی احزاب چپ و کمونیست واقعا مشغول و غیر فرقه ای که خواهان به قدرت رسیدن طبقه کارگر و سوسیالیسم هستند کمک نماییم. هر نیرو و فرد جدی اگر نقدی و یا انتقادی دارد به سیاستهای ما ، بفرمایند بگویند !

حزب ما تلاش میکند به زنان ایران بگوید راه نجات شما از دست اسلام و قوانین و شریعت و مرد سالاری و بی حقوقی و تبعیص و نابرابری و ظلم و ستم از دست نظام موجود سرمایه داری با حزب ما و کمونیستها همراه و هم سنکر شوید. ما به طبقه کارگر اعلام میکنیم که یک رکن پیشروی و پیروزی ما اتحاد طبقاتی جنبشمان و پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی و تبدیل آن حزب به ابزار مبارزه سیاسی و طبقاتی گسترده خود است. به جامعه ایران اعلام میکنیم ما "همه با هم" یک منفعت و یک زندگی هم رنگ نداریم، ما در جامعه ی زندگی میکنیم که اکثریت ۹۰ در صدی آن جامعه زیر فقر و فلاکت و دست تنگی زندگی میکنند، شب و روز کار میکنند اما هیچی ندارند. ما به این ۹۰ درصد تعلق داریم و حزب آنها هستیم. در مقابل ده در صد دیگر که سرمایه دار و مفت خور و اوباش و خون خوار هستند. این ده در صد حکومت جمهوری اسلامی و باز ماندگان شاه و دیگر اپوزسیون ملی و اسلامی که متعلق به آنها هستند را دارند. هم قبل از سال ۵۷ و هم بعد از آن حکومتهای فاسد شاهنشاهی و اسلامی حکومت همین ده درصدی ها بوده و هستند که با زور و سرکوب فریب و کلاه گذاشتن روی سر بخشی از ۹۰ درصد نامربوط به خودشان توانسته اند دولت خودشان را تشکیل بدهند. در همه این تاریخ مملو از سرکوب و جنایت و خونریزی همواره ارتش، سپاه، بسیج ، حزب الله، زندان ، ساواک و ساواما و شکنجه گر، پولخورها و مساجد و مذهب و غیره را در اختیار داشته و دارند و از این مجرا از حاکمیت خود در مقابل خشم و ناراضایتی ۹۰ درصد جامعه حراست کرده اند. هیچکدام از نیروهای نامبرده این طیف ملی گرا و اسلامیه، چه در ایران و چه در اپوزسیون دوست ما نیستند، حتی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بر عکس عامل تمام بدبختیهای ما و عامل به بیراه بردن مبارزات آزادیخواهانه ما برای رهایی قطعی هستند.

ما تلاش میکنیم انقلاب آزادیخواهانه آتی ایران به نفع طبقه کارگر و زنان و جوانان مبارز و اکثریت جامعه تمام گردد . به امید آن روز!

**مذهب نه فقط افیون که یک سیاست و ایدئولوژی ضد انسانی است!**

شد و بی تردید به اتحاد و همبستگی و تحرک کل طبقه کمک به سزائی خواهد کرد.

**محمود احمدی:** مبارزه اقتصادی چه جایگاهی در کلیت مبارزه ی طبقاتی طبقه کارگر دارد؟

**سلام زیجی:** مبارزه اقتصادی طبقه کارگر از نظر من عرصه ی مهمی از مبارزه طبقاتی طبقه ما است. طبقه کارگر حول این مبارزه میتواند اتحاد و آگاهی طبقاتی خود را در تقابل با سرمایه دار و دولت بیش از پیش تامین کند. به استئمار و نابرابری که هر روز به جامعه و کارگر اعمال میشود نگاه زنده و روشنتری داشته باشد. هم منفعتی طبقاتی را گسترش و مجرائی برای همبستگی کارگری باشد. در میدان نبرد اقتصادی کارگر بیش از پیش متوجه خواهد شد که چگونه از قبل کار او جامعه تامین میگردد و چگونه دولت و کارفرما سودهای کلان میبرند و حتی حقوق دستگاه دولتی و سرکوب نیز از قبل پول و ثروت بدست آمده ناشی از فروش نیروی کار او است که پرداخت میشود. اما باید تاکید کنم، با وجود تمام اهمیت مبارزه ی اقتصادی برای کارگر، اگر این مبارزه به

یک افق روشن کارگری و سوسیالیستی متکی نباشد آن دستاوردها و اهمیتی که گفتم به دست نخواهد آمد. اگر رهبران کمونیست و پیشرو آن طبقه پرچم این مبارزه ی مهم را راساً در دست نداشته باشند این مبارزه در نهایت به پیروزی کارگر بر سرمایه دار و نظام ظالمانه ی حاکم منتهی نخواهد شد. در اول این گفتگو هم تاکید کردم که در ایران بدون تردید هیچ شکلی از مبارزه ی اقتصادی طبقه صرفاً در محدوده ی مبارزه ی اقتصادی و صرفاً دستمزد باقی نمانده و نخواهد ماند. در اینجا هر تحرکی در عرصه ی مبارزه ی اقتصادی مسقیماً با دولت، سیاست، تشکل کارگری، حق اعتصاب و اعتراض، مسئله برابری زن و مزد و کلاً با نفس حرمت انسانی مواجه میشود و با این واقعیت ها تفکیک ناپذیر است. با این توضیحات و جایگاه مهم که مبارزه ی اقتصادی کارگر در کلیت مبارزه ی طبقاتی آن طبقه دارد بار دیگر بر اهمیت این مبارزه تاکید میکنم و امیدوارم کل طبقه ی ما، رهبران پیشرو آن، با این دید و افق کارگری و سوسیالیستی به مبارزه ی خود علیه دولت و کافرما شدت ببخشند و متحدانه طبقه ی بورژوا و شورایی عالی کارشان را در مبارزه ی جاری بر سر تعیین حداقل دستمزد سال ۹۳ با شکست و عقب نشینی مواجه کنند. (متن این گفتگو اولین بار در نشریه "کمونیست" و در تاریخ ۲۵ بهمن ۹۲ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۴ منتشر شد.)

**در باره ضرورت مبارزه گسترده برای افزایش حداقل دستمزد...**

وجه تعیین رقم مشخص حداقل دستمزد که اکثریت بزرگی از طبقه را تحت پوشش قرار میدهد در تناقض با منفعت بخشی دیگر از کارگران آن مراکز قرار نمیگیرد. اولاً رقم مورد بحث که بر مینا نظر و تشخیص نمایندگان کارگری مستقل از دولت و شورایی عالی کار طرح گردیده منفعت اکثریت طبقه و اتحاد آنها را بیشتر تامین میکند، دوماً از آنجا که حول چنین رقمهایی اتحاد و حداقل رفاه و زندگی اکثریت طبقه را تامین میکند، خط قرمزی را برای کارفرما تعیین میکند، بیمه بیکاری را بر مینا آن میتوان مطالبه کرد و... میتواند زمینه و بستری باشد که تناسب قوای مساعد تری برای همه بخش های طبقه فراهم کند. از این باید استقبال کرد و برای تحقق جنگید. اتفاقاً بر چنین بستر و اتحاد و دستاوردی برای کل طبقه امکان تحمیل دستمزد بیشتر به کارفرما، بر مبنای همین حداقل تعیین شده، برای کارگران که در شرایط سخت تر یا صنعتی تری کار میکنند فراهم میکند. در صورت تحقق حداقل مزد مورد نظر، کارگران این بخشها با اتکا به آن دستاورد و موقعیت از جانب نمایندگان منتخب خود میتوانند با قدرت بیشتری قرارداد ویژه

و دستمزد بالاتری در مراکز صنعتی و سخت تر شرایط کار را متحدانه طرح و مطالبه کنند.

**محمود احمدی:** با توجه به فضای سرکوب و اختناق حاکم تحقق مطالبات کارگران بر سر دستمزد چقدر ممکن است؟

**سلام زیجی:** واقعیت این است که جمهوری اسلامی تناسب قوای بسیار نابرابر و نامساعدی به طبقه ی کارگر ایران تحمیل کرده است، این یورش و وحشیگری به قدمت جمهوری اسلامی وجود داشته است. اعدام و زندان و ایجاد تشکلهای ضد کارگری برای دور زدن مبارزه ی متحدانه و سوسیالیستی طبقه و همچنین تحمیل فقر مطلق به کارگر از همان دوره ی سرکوب کارگران نفت، از اوایل سال ۵۷ شروع شد. اما در عین حال، و از همان زمان، ما شاهد پتانسیل قوی مبارزاتی در صفوف طبقه کارگر بوده ایم و همچنان در جریان است. همین واقعیت اساس مشکل جمهوری اسلامی بوده و هست. از این رو اگر رهبران پیشرو و سوسیالیست آن طبقه با اتحاد و صلابت طبقاتی بالاتری وارد میدان شوند، دست در دست هم بدهند، ترفندهای رژیم را با دقت بیشتری مورد توجه قرار بدهند برای تشکل یابی خود گامهای جدی تری بردارند، میتوانند تناسب قوای نامطلوب کنونی را تغییر دهند. از جمله در همین نبرد بر سر تعیین دستمزد زمینه و امکان اتحاد بخش اعظم طبقه وجود دارد که میتوان به یک واقعیت عملی و مبارزه ی متحدانه علیه دولت و کارفرما تبدیل کرد. میتوان از همین امروز در این جهت در مراکز مختلف کارگری مجامع عمومی تشکل داد، نمایندگان خود را انتخاب کرد، در سراسر کشور خود را با کارگران سایر مراکز صنعتی هماهنگ کرد، و دولت و کافرما را به چالش طبقاتی بزرگی کشید.

حتی اگر تمام پیروزی را هم از جمله در رابطه با مزد مورد نظر خود بدست نیآوریم، نفس این حرکت متحدانه گام بسیار تعیین کننده ای برای تداوم مبارزه ی طبقاتی و اتحاد صفوف کارگران را ممکن خواهد کرد. اگر همین دوره شاهد صدور چند بیانیه و اطلاعیه ی علنی مطالباتی در مراکز مهم کارگری باشیم که در آن مثلاً یورش گسترده به طبقه کارگر از جانب کارفرمایان و دولت و "شورایی عالی کار" و تشکلهای زرد همراه آن و مطالبه ی حداقل دستمزد خود را به جامعه اعلام کنیم دستاورد بسیار بزرگی برای طبقه ی ما محسوب خواهد

**تعیین حداقل دستمزد کارگران**  
**در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگری است!**  
**حداقل دستمزد کمتر از ۴-۵ میلیون تومان برابر با**  
**تحمیل زندگی مجدد بردگی و تداوم استئمار وحشیانه**  
**کارگران از سوی دولت و کارفرمایان است.**  
**خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی**  
**و شورایی عالی کار نهادهای کاملاً دولتی و**  
**ضد کارگری هستند!**

**تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است!**



## در باره ضرورت مبارزه گسترده برای افزایش حداقل دستمزد

(باز تکثیر گفتگوی قبلی محمود احمدی در رادیو پرتو با سلام زیجی  
تحت عنوان "مبارزه برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۹۳")



**محمود احمدی:** هم در ایران و هم در کشورهای دیگر زمانی که بحث دستمزد و حداقل دستمزد مطرح میشود مسئله رقم و عدهای متعدد مطرح میگردد، شما با مشخص کردن رقم معینی به عنوان حداقل دستمزد موافق هستید؟

**سلام زیجی:** کسی که می‌رود نیروی کارش را می‌فروشد خوب به رقمی هم فکر میکند که در ازای آن چقدر میتواند بگیرد. و برعکس سرمایه دار هم تلاش میکند با قیمت هر چه کمتری نیروی کار را بخرد. از این رو تحمیل

یک حداقلی از سطح دستمزد که به نسبت تناسب قوا و شرایط زندگی میتوان از جانب کارگر به سرمایه دار تحمیل کرد به معنی تعیین خط قرمزی است که برای دولت و سرمایه دار تعیین میگردد. این حداقل تعیین شده مورد توافق نمایندگان کارگران یک پوشش حمایتی و حداقل استانداردی را برای کل طبقه، شاغل و بیکار، روز کار یا ساعت کار تامین میکند که کارفرما در هیچ جایی و با هیچ بهانه ای حق پرداخت کمتر از آن را به کارگر ندارد. کارگر اخراجی و بیکار شده نیز حق دارد، ۷۰ تا ۸۰ درصد این دستمزد پایه را مطالبه کند و بگیرد. در نتیجه مسئله تعیین حداقلی از سطح دستمزد برای کارگر مهم است و باید برای تحقق آن حداقل مورد نظر خود متحدانه مبارزه کرد و گرفت. اتفاقاً بورژواها به ویژه در شکل "بازار آزاد" علاقمند هستند کارگر را اتمیزه کرده و منفرد به توافق و قرارداد فردی و متنوع سوق بدهند تا راه تحقیر و تفرقه و تحمیل دستمزد کمتر را فراهم کنند. تعیین حداقل دستمزد از جانب کارگران و بیرون کشیدن آن از حلقوم سرمایه دار از نظر من ضروری است. این خط قرمز طبقه ما در عرصه ی حداقل دستمزد خواهد بود و کارفرما تحت هیچ شرایطی نباید حق و امکان آن را پیدا کند که کارگر را در هیچ رشته ای مجبور کند به کمتر از آن به کار تن بدهد.

اما در عین حال اگر ما صرفاً به این رقم و یا حداقل مورد نظر بچسبیم و میدانهای دیگر نبرد طبقاتی که اتفاقاً به این عرصه گره خورده است نادیده بگیریم دچار اشتباه و محدودنگری خواهیم شد و حتی بر عزم پیشروی ما در عرصه ی دستمزد و رقم مورد نظر نیز نقش بازدارنده خواهد داشت. از جمله اگر متکی به شاخصهای خود و مکانیزم مبارزاتی و نمایندگان منتخب خود در مراکز کار و تشکلهای مستقل خود طبقه نباشیم، بخش زیادی از کارگران متحدانه حول مطالبه ی خود به حرکت در نیایند، آشکارا به شاخصها و مکانیزمهای تعیین دستمزد بورژواها از جمله شوابعالی کار نه نگوییم، و... پیروزی مورد نظر را بدست نخواهیم آورد.

در ضمن در مقابل بحث تعیین رقم معینی به عنوان مبنای حداقل دستمزد موضع انتقادی هست که گویا تعیین رقم مشخص، از جمله ۲ میلیون تومان که اکنون مطرح است، به نفع بخشی از کارگران در مراکز صنعتی و غیره نخواهد بود، چون در حال حاضر دستمزد بیشتری میگیرند. با تفسیر به نادقیق بودن این برخورد قبلاً پرداخته بودم، از نظر من به هیچ

ادامه در صفحه ۱۶

**محمود احمدی:** زمانیکه دولت و طبقه بورژوا آمار تورم خود را اعلام میکند، طبقه کارگر چگونه میتواند به آن برخورد کند؟

**سلام زیجی:** همچنانکه در پاسخ به سوال قبلی گفتم، به شاخصهای تعیین مزد از جانب نمایندگان منتخب کارگری تاکید دارم نه نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی! آمار و ارقامی که دولت و کارفرما و بانک مرکزی اعلام میکنند دروغ و تحریف شده است. به ویژه زمانی که به دوران جدال بر سر تعیین حداقل دستمزد میرسیم جنگ آمارهای بانک مرکزی و داستان نرخ تورم از زاویه ی آنها هر روز برجسته و متغیر و دلخواهی اعلام میشوند. از این رو تاکید من تخمین نرخ تورم و دادن آمار و ارقامهایی، که مبنای آن باید تامین زندگی و معیشت حداقلی کارگر و گرانی روز افزون نرخ کالا و ... باشد، از جانب خود کارگران و نمایندگان مورد قبول خودشان است. گرانی روز افزون کالا و مسکن، پزشکی و بهداشت و تحصیل فرزندان و... همه را قاعداً برای تامین یک خانواده چهار یا پنج نفره در بر میگیرد.

این حقیقت را کسی نمی‌تواند کتمان کند که گرانی مواد خوارکی و دیگر مایحتاج زندگی در سال جاری بعضاً تا ۴۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است. وقتی که مقامات و نهادهای دولتی و نزدیک به دولت خط فقر را نزدیک به یک میلیون و نهصد هزار تومان اعلام میکنند، روشن است که نرخ تورم ۲۶ و ۳۰ و .. درصدی بانک مرکزی بی اعتبار و دستکاری شده است. دولت و بانک مرکزی میزان سود آوری و یا ورشکستگی اقتصادی و سوخت ساز اقتصادی سرمایه دار و منافع طبقه حاکمه را مینا میگیرند و از این نظر بازی شاخص نرخ تورم و آمارهای خود را اعلام میکنند و میخواهند کارگر هم همین را از آنها بپذیرد، نه در نظر گرفتن تامین زندگی انسانی و رفاه توده ی مردم و کارگران و هر فردی که باید از آن برخوردار باشد. ضدیت سرمایه دار و دولت با اصل اصالت انسانی همینجا است. "معضلات بورژوائی" و "منفعت های" آن به کارگر و چگونگی تعیین معیشت و دستمزد او بی ربط است، تامین بدون فشار اجاره مسکن، بنزین، گاز، مواد غذایی، بهداشت، تحصیل و بر خودراری از یک زندگی در شان انسان برای کارگر شاخص است نه سود بری و یا ورشکستگی این و آن کارخانه. برای کارگر این مینا است که سهمش از ثروت جامعه ای که خود خالق آن است، چیست؟ آیا نباید حداقل یک دهم آن چیزی که برای جامعه و دولت و سرمایه دار تولید کرده به جیب خود و خانواده اش برگردد؟ حربه ی سرمایه داری و دولت علیه کارگر در پوشش "آمار بانک مرکزی"، محاصره ی اقتصادی، "منفعت ملی"، "اگر مزد را بالا ببریم، تورم و بیکاری بالا خواهد رفت" دارد توجیه میشود. همه ی این شگردها عوامفریبانه و انعکاسی از تعرض حکومت اسلامی ضد کارگری و شهادی طبقه ی حاکمه به هدف تحمیل یک زندگی برده وار به کارگر و سر شکن کردن بحرانها و معضلات خود بر سر کارگر و از این طریق سود بری و استثمار کور بیشتر و ضد انسانی تر میباشد. بنظر من هیچ کارگر و فعال کارگری آگاهی به این ترندها کردن نخواهد گذاشت و نمیتواند این عوامفریبی ها را بپذیرد.

**برای گرفتن حق حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان متحدانه به میدان بیاییم!**

### نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

### موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

### به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره  
حداقل دستمزد سال ۹۷

## حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان" متحد شویم!

(از مطالبه و فراخوان سندیکای  
کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه ،  
سندیکای کارگران کشت و صنعت  
نیشکر هفت تپه، و گروه اتحاد  
بازنشستگان حمایت میکنیم.)

[Iransocialist2017@gmail.com](mailto:Iransocialist2017@gmail.com)

پیامک ارسال شده برای  
نشریه سوسیالیسم امروز  
"درد دل یک زن"

سلام

من به عنوان یک زن میخواهم یکمی درد دل کنم در این روزهای که داریم به روزی که به عنوان روز زن نام گرفته است نزدیک میشویم. من یک زنم و ایرانی هستم. در مملکت ما زنها را به عنوانی یک انسان کامل قبول ندارند. دیه ی ما زن ها نصف مرد است. در دادسرا ها ما را به عنوان شاهد قبول ندارند. ما را به عنوان سرپرست بچه هایمان نمی پذیرند. در ازدواج دخترم به اجازی من نیازی نیست. حتی در صورت نبودن پدرش. در گرفتن طلاق و جدا شدن حق سرپرستی بچه ام با من نیست. در صورت تقسیم ارث پدری من زن باید نصف برادرم ارث ببرم. طبق شرع و قانون من نباید اعتراضی بکنم. .... و این ستمها کی بر ما روا دیده است؟

اسلام! اینا دستور اسلام است، نه کسی دیگر. و اینا در قانون اساسی ما نوشته شده اند. و ما تا زمان که این نوع قانون اساسی و حکومتش را از بین نبریم رهایی بدست نخواهیم آورد.

پروین-ز



[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

۰۰۳۳۷۰۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۷۶۲۳۴۹۶۸۳



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتات علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکارسازی موقوف!